



انسان برج سرد در آتش

زینب السادات موسوی تبار



قم خیابان مصلای قدس پلاک ۶۸۲
صندوق پستی ۱۵۸ ۳۷۱۶۵
تلفن ۴۱ - ۳۲۹۳۹۱۴۰

نام کتاب	انسان بر سر دوراهی
نویسنده	زینب السادات موسوی تبار
ویراستار	سید مجید حسن زاده
ناشر	نشر معروف - قم
چاپ و صحافی	دفتر تبلیغات اسلامی - قم
نوبت چاپ	اول - ۱۳۹۵
تیراژ	۲۵۰۰ جلد
شابک	۹۷۸۶۰۰۶۶۱۲۷۱۳
قیمت	۳۵۰۰۰ ریال

سرشناسه: موسوی تبار، زینب السادات، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: انسان بر سر دوراهی / زینب السادات موسوی تبار؛ به سفارش
ستاد امر به معروف و نهی از منکر پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر.
مشخصات نشر: قم: نشر معروف، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص: ۹/۵ × ۱۹ س.م.
شابک: ۷۱-۷۱-۶۶۱۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: امر به معروف و نهی از منکر
موضوع: *Enjoining what is good and prohibiting what is evil
موضوع: انحراف اجتماعی -- پیشگیری
موضوع: Deviant behavior -- Prevention
موضوع: اسلام -- جنبه های اجتماعی
موضوع: Islam -- Social aspects
شناسه افزوده: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر. پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ م۹/۴/۲۲۶ BP
رده بندی دیویی: ۳۷۷۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۵۴۷۷۸



به سفارش:
ستاد امر به معروف و نهی از منکر
پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر



فهرست

سخن پژوهشکده	۱۱
پیشگفتار	۱۴

فصل اول: علل مسئولیت گریزی

علل و عوامل مسئولیت گریزی	۲۰
۱. ضعف ایمان	۲۰
۲. جهل	۲۳
الف. جهل نسبت به احکام الهی	۲۵
ب. جهل نسبت به مصداق ها	۲۶
ج. جهل نسبت به ضرورت موضوع	۲۶
د. جهل نسبت به پیامدها	۲۶
۳. ضعف نفس	۲۷
۴. ترس	۲۸
الف. حفظ جان	۲۹
ب. حفظ مال	۲۹

- ج. ترس از آبرو..... ۳۱
- د. ترس از سرزنش‌ها..... ۳۱
۵. ناامیدی..... ۳۶
۶. حفظ آبرو..... ۳۸
۷. عدم احتمال تأثیر کلام..... ۳۹
۸. محبت افراطی..... ۴۱
۹. حیا و شرم مذموم..... ۴۵
۱۰. طمع..... ۴۶
۱۱. ناشکیبایی..... ۴۷
۱۲. روحیه‌ی سازشکاری..... ۵۰
۱۳. سستی..... ۵۵
۱۴. ضعف در شخصیت دینی..... ۵۷
۱۵. توطئه دشمنان اسلام..... ۵۹
۱۶. وسوسه‌های شیطان..... ۶۱
۱۷. ناآگاهی از اهمیت مسئولیت‌پذیری و آثار ترک آن..... ۶۴

فصل دوم: پیامدهای مسئولیت‌گریزی

- پیامدهای فردی مسئولیت‌گریزی..... ۷۰
۱. دشمنی با خدا..... ۷۰
۲. واژگونی قلب..... ۷۲
۳. جدایی از خدا و معصومان علیهم‌السلام..... ۷۳
- پیامدهای اجتماعی مسئولیت‌گریزی..... ۷۴
۱. واژگونی ارزش‌ها..... ۷۴
- عوامل ایجاد واژگونی ارزش‌ها..... ۷۸

- الف. از بین رفتن قبح گناه..... ۷۸
- ب. رغبت به فرهنگ بیگانه..... ۷۹
- ج. استهزای ارزش ها..... ۸۰
- د. دفاع و ترویج از ضد ارزش ها..... ۸۱
۲. زوال برکت و نعمت های الهی..... ۸۴
۳. تسلط اشرار..... ۹۴
۴. شیوع خرافه و اندیشه های انحرافی..... ۹۷
- عوامل موثر در پیدایش فرقه های انحرافی..... ۹۹
۵. شرکت در گناه دیگران..... ۱۰۲
۶. دچار شدن به لعن و نفرین..... ۱۰۶
۷. عذاب و عقوبت الهی..... ۱۰۸
۸. گسترش مفاسد اجتماعی..... ۱۱۶
۹. برآورده نشدن دعا..... ۱۱۸
۱۰. نفوذ و سلطه بیگانگان..... ۱۱۹
۱۱. زوال تمدن ها و سقوط ملت ها..... ۱۲۰
۱۲. سلب آرامش روحی و روانی..... ۱۲۲

فصل سوم

راهکارهای تقویت روحیه مسئولیت پذیری

۱. توجه به جایگاه و اهمیت، مسئولیت پذیری..... ۱۲۷
۲. توجه به آثار و برکت های مسئولیت پذیری..... ۱۳۰
- الف. آثار فردی دنیوی..... ۱۳۰
- الف- ۱. جلب رضایت خداوند..... ۱۳۰
- الف- ۲. نصرت الهی..... ۱۳۱

- الف - ۳. نجات از غضب الهی در دنیا ۱۳۱
- الف - ۴. سلامت و سودمندی در دنیا ۱۳۲
- الف - ۵. اصلاح فردی ۱۳۲
- الف - ۶. برکت در عمر و روزی ۱۳۲
- ب. آثار فردی اخروی ۱۳۲
- ب - ۱. شرکت در ثواب دیگران ۱۳۳
- ب - ۲. نجات از عذاب الهی در آخرت ۱۳۳
- ب - ۳. رستگاری ۱۳۴
- ج. آثار اجتماعی ۱۳۵
- ج. ۱. بهترین امت شدن ۱۳۵
- ج. ۲. عزت مؤمنان و ذلت دشمنان ۱۳۶
- ج. ۳. اصلاح عموم مردم ۱۳۶
- ج. ۴. برپایی عدالت اجتماعی ۱۳۷
- ج. ۵. حفظ، اجرا و استواری احکام اسلامی ۱۳۷
- ج. ۶. برقراری امنیت اجتماعی ۱۳۸
- ج. ۷. پایداری در برابر ستمکاران ۱۳۸
- د. آثار معنوی ۱۳۹
- د - ۱. دعوت به اسلام ۱۴۰
- د - ۲. افزایش ایمان و یقین ۱۴۰
- د - ۳. تحقق راه و هدف انبیا و اولیای الهی ۱۴۱
- د - ۴. برپایی واجبات الهی ۱۴۲
- د - ۵. جانشین خدا و رسول شدن ۱۴۲
- د - ۶. در مسیر حق قرار داشتن ۱۴۳
- د - ۷. تصحیح و حفظ اخلاق و فرهنگ جامعه ۱۴۴
- ه. آثار اقتصادی ۱۴۴

- هـ. ۱. عمران و آبادانی و سازندگی ۱۴۵
- هـ. ۲. حلال شدن درآمدها ۱۴۶
- هـ. ۳. پرداخت حقوق دیگران ۱۴۶
- هـ. ۴. بهترین انفاق ۱۴۷
- هـ. ۵. گسترش فرهنگ کار و تلاش ۱۴۸
- هـ. ۶. تجارت اسلامی ۱۴۸
۳. راهکارهای عملی برای تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری ... ۱۴۹
- الف. تقویت روحیه ایمان و تقوا ۱۵۰
- ب. اجرا و نظارت حکومت، مسئولان و عالمان ۱۵۲
- ج. نظارت عمومی و همگانی مردم ۱۵۵
- ج. ۱. آشنایی با کارهای پسندیده و ناپسند ۱۵۶
- ج. ۲. تبلیغ و ارشاد ۱۵۷
- ویژگیهای مبلغ برای ارشاد ۱۶۲
- ج. ۳. مقدمه‌سازی ۱۶۳
- ج. ۴. خویشان و نزدیکان ۱۶۵
- ج. ۵. ایجاد انگیزه و امید ۱۶۵
- ج. ۶. رعایت ادب در گفتار و رفتار ۱۶۷
- ج. ۷. برخورد منطقی و سازنده ۱۶۸
- ج. ۸. هم‌زبانی ۱۶۹
- ج. ۹. انعطاف و نرمی ۱۷۰
- ج. ۱۰. تذکر پنهانی و غیرمستقیم ۱۷۱
- ج. ۱۱. تکریم شخصیت ۱۷۲
- فهرست منابع ۱۷۳

سخن پژوهشکده

اقامه دو فریضه بزرگ «امر به معروف و نهی از منکر»
پشتوانه اجرای دیگر قوانین و احکام الهی است و بدون
آن جامعه گرفتار مرگ تدریجی می شود.

برای آنکه درخت غیرت دینی در جان مسلمانان
نخشکد، نیاز به اقدام و عمل به این دو وظیفه بزرگ
اجتماعی است و برای آنکه جامعه اسلامی گرفتار اشرار
و کفار نشود مرزبانی از معارف و قوانین الهی ضرورتی
اجتناب ناپذیر و رسالتی فراگیر است.

- شناخت معروف و منکر،

- شناخت اهمیت امر و نهی،
- شناخت روش های اجرایی این دو وظیفه،
- همفکری در شناخت معروف و منکر،
- صراحت در فتاوی، قاطعیت قانون گذاری و تهیه دستور العمل های اجرایی،
- و همکاری و تعاون در پژوهش ها، آموزش ها، اطلاع رسانی و اجرا این دو وظیفه مقدس و زندگی ساز شرط موفقیت در مرزبانی از فرهنگ جامعه اسلامی است.

تاکنون مؤلفان و محققان فراوانی، فکر و قلم و وقت خویش را در مسیر اقامه این دو قانون مقدس و نشر فرهنگ تعهد و مسئولیت پذیری به کار گرفته اند و ده ها رساله پژوهشی و کتاب و مقاله علمی درباره ابعاد این دو فریضه نگاشته اند، اما گسترش منکرات اجتماعی و تعطیل شدن برخی واجبات و سنت های اسلامی نشان می دهد، که تلاش فرهنگی و اجرایی و اطلاع رسانی مادر این فریضه کافی نیست و همه شیفتگان فرهنگ قرآن و عترت باید خلأ های پژوهشی، آموزشی قانونی و اجرایی این دو فریضه را بهتر و بیشتر بشناسند و کار و همکاری و همفکری بیشتری را دنبال کنند.

کتاب حاضر که با تلاش خواهر محترم زینب السادات موسوی تبار و راهنمایی های استاد بزرگوار دکتر محمد حسین توانایی فراهم آمده؛ گامی در مسیر ارتقای فرهنگ معروف شناسی و منکر ستیزی محسوب می شود. شورای بررسی آثار پژوهشکده پس از بررسی این رساله، آن را شایسته چاپ و نشر دانست و زمینه آن را فراهم ساخت.

امید است دیگر محققان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه نیز، پژوهش های خویش را در زمینه ابعاد مختلف این دو قانون ساماندهی کنند و زوایای ناشناخته و راهکارهای اجرائی آن در میان اقشار و اصناف و نهادهای دولتی و مردمی را روشن سازند و به شناخت و اجرای این فریضه برتر کمک کنند.

والسلام

قم پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

FMAROOOF.IR

پیشگفتار

اهمیت و جایگاه احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی به حدی است که خداوند متعال، اولین امر به معروف و ناهی از منکر است، و پیامبران خویش را مأموریت داده تا با برقراری احکام الهی، جامعه‌ای سالم و سعادتمند و عاری از فساد و گناه، برپا کنند.

از آن جا که افراد يك جامعه با یکدیگر پیوند و ارتباط دارند و مانند اعضای يك پیکر هستند، فساد و گناه افراد، بر یکدیگر تأثیر دارد و موجب تباهی جامعه می‌شود.

قرآن کریم، انسان را به مقام و مرتبه احسن تقویم

کرامت داد و راه چگونه زیستن را به او آموخت؛ تا به قلۀ رفیع سعادت، نایل گردد و عواقب هولناک سرپیچی از دستورهای الهی را به او یادآور شده؛ تا به وادی اسفل السافلین گرفتار نشود؛ زیرا پای بندی به احکام و قوانین الهی، سعادت و نیک بختی و ترک آن، گمراهی و ضلالت را برای انسان در پی دارد.

بنابراین، بی تفاوتی، پیامدهای جبران ناپذیری را دربر خواهد داشت و امنیت و آرامش فردی و اجتماعی را دچار مشکل خواهد کرد.

اگر افراد جامعه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نداشته باشند و نسبت به مفاسد، بی اعتنا باشند، گناهان و مفاسد، توسعه پیدا کرده، پیامدهای منفی آن همه افراد جامعه را دربرمی گیرد و در مقابل، مسئولیت پذیری و بی اعتنا نبودن، بهترین راه اصلاح رفتارهاست و موجب سعادت و رستگاری افراد جامعه خواهد شد.

در این جا از استاد گران قدر، دکتر محمد حسین توانایی که راهنمایی های ارزشمندش همواره چراغ راهم بود، نهایت تشکر و قدردانی را داشته، از خدای منان، سلامتی و سربلندی وی را درخواست میکنم.

همچنین از زحمات بی دریغ پدر و مادر عزیز و برادر
 مهربانم که در طول دوران تحصیل، صبر و شکیبایی
 نمودند، قدردانی می‌کنم و توفیق آنان را در تمام امور
 زندگی از خداوند متعال خواهانم و از خدای سبحان،
 علو درجات شهیدان راه حق، به ویژه شهید امریه معروف
 ونهی از منکر، شهید خلیلی را خواهانم.

فصل اول

علل مسئولیت گریزی

احکام الهی، زمانی در جامعه تحقق می یابد که انسان نسبت به خود و جامعه، بی توجه نباشد. بی تفاوتی و مسئولیت گریزی، می تواند مقدمه سقوط امت اسلامی باشد. با این حال، چرا بسیاری از مسلمانان نسبت به این امر مهم، بی تفاوت هستند و هیچ اقدامی در جهت تحقق خوبی ها و از بین بردن مفاسد، نمی کنند؟

در قرآن کریم آمده است:

از آن جا که انسان، موجودی اجتماعی است و با افراد

اجتماع ارتباط و تعامل دارد، نمی تواند نسبت به آن چه در اجتماع می گذرد، بی تفاوت باشد.

بر اساس سخن پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، همه باید در اصلاح جامعه احساس مسئولیت داشته باشند.
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛^۱ هریک از شما رعیت دار (سرپرست جامعه) هستید و در برابر رعیت (عامه مردم)، مسئول می باشید.

همچنین آن حضرت می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛^۲
کسی صبح کند، درحالی که به امور مسلمانان [و رفع مشکلات آنها] اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست.

در قرآن و احادیث، تأکید شده که مؤمنان جامعه‌ی اسلامی با یکدیگر رابطه و پیوند دارند و دوستان و اولیای یکدیگر هستند.

در قرآن کریم چنین آمده است:

۱. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۱۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^۱ و
مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به
کارهای پسندیده، وامی دارند و از کارهای ناپسند،
بازمی دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند
و از خدا و پیامبرش، فرمان می برند. آنان کسانی
هستند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار
خواهد داد به درستی که خدا، توانا و حکیم است.

علامه طباطبایی درباره ی این آیه می فرماید:

در این آیه، «بعد از تذکر و بیان حال منافقین، اینک
حال عامه مؤمنین را بیان می کند و می فرماید:
مردان و زنان باایمان، اولیای یکدیگرند؛ تا
منافقین بدانند که نقطه مقابل ایشان، مؤمنین
هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و
پراکندگی افرادشان، همه در حکم یک تن واحدند
و به همین جهت، بعضی از ایشان امور بعضی
دیگر را عهده دار می شوند و به همین جهت است

۱. توبه، آیه ۷۱.

که هر کدام دیگری را به معروف، امر می‌کند و از منکر، نهی می‌نماید. آری، به خاطر ولایت داشتن ایشان در امور یکدیگر است آن هم ولایتی که تا کوچک‌ترین افراد اجتماع راه دارد که به خود اجازه می‌دهند هر یک دیگری را به معروف واداشته و از منکر بازدارد»^۱.

علل و عوامل مسئولیت‌گریزی

با تمام تأکیدهای قرآن و روایات، افرادی هستند که خود را مسلمان می‌دانند؛ ولی نسبت به مفاسد، بی‌اعتنا هستند. این بی‌تفاوتی، می‌تواند از ضعف عقاید و افکار یا از ضعف شخصیت روحی آن‌ها باشد. در اینجا به بیان برخی از علل و عوامل مسئولیت‌گریزی فردی و اجتماعی می‌پردازیم:

۱. ضعف ایمان

سستی و ضعف ایمان، یکی از عواملی است که در مسئولیت‌گریزی، اثرگذار است؛ زیرا کسی که ایمان پایدار و مستحکمی دارد، رضایت و خشنودی حق را خواهان است؛ پس در اجرای اوامر الهی، حتی اگر به

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۳۳۸.

ضررش باشد، لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دهد؛ ولی کسی که دچار ضعف ایمان است، به جای رضای خداوند، درصدد جلب رضایت دیگران است.

افرادی که دچار ضعف ایمان هستند در برخورد با مفاسد، شجاعت و شهامت لازم را ندارند و تحت تأثیر قدرت‌های برتر قرار می‌گیرند و خوار و ذلیل می‌شوند؛ در صورتی که انسان مؤمن، از هیچ چیز جز معصیت خداوند، نمی‌پرهیزد و مرعوب قدرت‌ها نمی‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ

لَهُ فَقِيلَ لَهُ وَمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ الَّذِي لَا

يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ^۱ خداوند عزوجل با مؤمن ضعیفی

که دین ندارد، دشمن است. گفته شد: مؤمن

ضعیفی که دین ندارد کیست؟ فرمود: کسی که

نهی از منکر نمی‌کند.

همچنین می‌فرماید:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۹؛ ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ج ۲،

فَبَلِّسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ شَيْءٌ
 مِنَ الْإِيمَانِ وَفِي رِوَايَةٍ إِنَّ ذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ؛^۱
 کسی که منکری را ببیند، باید با دستش از آن
 جلوگیری کند و اگر بر آن قادر نبود، باید با زبان،
 زشتی آن را بیان کند و در صورتی که با زبان قادر بر
 جلوگیری نبود، باید با قلب آن را انکار نماید؛ زیرا
 اگر هیچ کدام تحقق نیابد، از ایمان، چیزی باقی
 نخواهد ماند و در روایت آمده است که این حالت،
 کمترین درجه ایمان است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

كُلُّ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا
 دِينَ لَهُ؛^۲ هر کس که به خاطر دین محبت نرزد و به
 خاطر دین خشمگین نشود، دین ندارد.

اهمیت این موضوع از شیوه بیان معصومان علیهم السلام
 مشخص می شود که مسئولیت گریزی را نشانه ضعف
 ایمان و دشمنی با خداوند دانسته اند.
 در حدیثی آمده است:

۱. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۲، ص ۱۹۲.
 ۲. کافی، ج ۲، ص ۱۲۷، ح ۱۶؛ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۷۷.

وَيْلٌ لِّلْقَوْمِ لَا يَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ وای بر کسانی که خدا را با امر به معروف و نهی از منکر، دین‌داری نمی‌کنند.

بنابراین، انسان باید با افزایش معرفت دینی، برقراری ارتباطی معنوی با حضرت حق، توسل به معصومان علیهم‌السلام و بهره‌گیری از نصایح و سخنان عالمان ربانی، ایمان خود را تقویت کند؛ تا بدین وسیله، روحیه‌ی توجهی را از بین ببرد.

۲. جهل

یکی از عواملی که موجب بی‌اعتنایی افراد در انجام دادن وظایف فردی و اجتماعی می‌شود، عدم معرفت و جهالت به وظایف است. اسلام به علم و معرفت و آگاهی، توجه خاصی دارد؛ زیرا با ارتقای سطح علمی و معرفتی افراد، زندگی آنان صبغه‌ی الهی یافته، به سعادت خواهند رسید. از این رو، در قرآن و روایات بیش از هر موضوع دیگری بر مسئله علم و معرفت تأکید و یکی از علل گمراهی، جهل و نادانی معرفی شده است؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۶ و ۵۷؛ مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۴۰۱.

«أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۱، «فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ»^۲، «وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»^۳، «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۴.

بیشترشان، تعقل نمی‌کنند، پس قدرت درک ندارند. در حالی که حدس نمی‌زنند. اما بیشتر آنان نمی‌دانند. در قرآن کریم آمده است که حضرت یوسف علیه السلام ارتکاب گناه را نتیجه جهل می‌داند؛

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ^۵

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

پروردگارا! اگر من میان زندان و آن چه که اینان مرا بدان می‌خوانند، مخیر شوم، زندان را اختیار می‌کنم و از تو درخواست دارم که سوء قصد اینان را از من بگردانی؛ چون اگر تو، کید ایشان را از من نگردانی، از جای کنده می‌شوم و به سوی آنان میل نموده، در نتیجه از جاهلان می‌گردم؛ زیرا اگر

۱. مائده، آیه‌ی، ۱۰۳.

۲. توبه، آیه‌ی، ۸۷.

۳. زخرف، آیه‌ی، ۶۶.

۴. انعام، آیه‌ی، ۳۷.

۵. یوسف، آیه‌ی، ۳۳.

من تاکنون شرایشان را از خود دور داشته‌ام، به وسیله‌ی علمی بوده که تو به من تعلیم فرمودی و اگر افاضه خود را از من دریغ فرمایی، من مثل سایر مردم، جاهل می‌شوم و در مهلکه‌ی عشق و هوسبازی قرار می‌گیرم.^۱

در روایتی از امام رضا (ع) آمده است:

صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَعَدُوُّهُ جَهْلُهُ؛^۲ دوست هرکس، عقل و دانایی او و دشمن هرکس، جهل و نادانی اوست.

بنابراین، یکی از عوامل مؤثر در بی‌توجهی، جهل افراد است. طبق این حدیث، عقل و دانایی می‌تواند دوست و رفیق انسان باشد و او را از بی‌تفاوتی و سستی، نجات دهد و جهل می‌تواند انسان را نسبت به ارتکاب گناه، بی‌تفاوت کند. این جهل و ناآگاهی، اقسامی دارد که عبارتند از:

الف. جهل نسبت به احکام الهی

گاهی افراد نسبت به احکام الهی آگاهی نداشته،

۱. المیزان، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۱.

درصدد عمل به احکام نیستند؛ یعنی امکان دارد شخصی نداند که امر به معروف و نهی از منکر، واجب است و همین امر، موجب بی‌اعتنایی او می‌شود؛ اما اگر احتمال بدهد این امر واجب است، تلاش خواهد کرد تا به آن عمل کند.

ب. جهل نسبت به مصداق‌ها

گاهی فرد نسبت به احکام الهی، شناخت دارد؛ اما در مواردی دچار تردید می‌شود و نمی‌داند واجب است یا مستحب است و یا هیچ‌کدام.

ج. جهل نسبت به ضرورت موضوع

گاهی افراد نسبت به يك موضوع، اطلاعات کافی دارند و ضرورت آن را از نظر تعالیم اسلامی، می‌دانند؛ پس به آن عمل می‌کنند؛ ولی اگر اهمیت و ضرورت موضوع را ندانند، درصدد عمل به آن نمی‌باشند.

د. جهل نسبت به پیامدها

برخی افراد گمان می‌کنند که ترك اوامر الهی، امری عادی است و نمی‌دانند که بی‌اعتنایی و بی‌توجهی، چه پیامدهای ناگواری در پی دارد و توجه به اوامر الهی، چه اثری دارد. اگر اوامر الهی اجرا شوند، افراد از برکت‌ها و

ثمرات فراوانی بهره‌مند خواهند شد.

۳. ضعف نفس

ضعف نفس و خودکم‌بینی، عامل عجز و ناتوانی است و تحمل انسان را در برابر حوادث، کم می‌کند و موجب بی‌توجهی وی می‌شود.

بسیاری از افراد، احساس مسئولیت می‌کنند و توان انجام دادن اوامر الهی را دارند؛ اما به سبب ضعف نفس در اجرای آن، دچار سستی و بی‌اعتنایی می‌شوند.

اغلب افرادی که شناخت کافی از احکام الهی ندارند، یا حضوری کم‌رنگ در جامعه دارند، توان مقابله با مفسد را در خود نمی‌بینند و دچار ضعف نفس می‌شوند.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

گاهی اوقات انسان، موفق نمی‌شود به آن چه قبلاً گفته، عمل کند و رسماً خلف وعده می‌کند که این، ناشی از ضعف اراده و سستی همت است که خود یکی از رذایل اخلاقی و منافی با سعادت نفس انسانی است؛ چون خدای تعالی، سعادت نفس بشر را بر این اساس تأمین نموده که به اختیار خود، حسناتی کسب نماید و کلید این حسنات،

داشتن عزم راسخ و همت بلند است. پس اگر دیدیم فردی وعده می دهد، ولی در مقام عمل، سست می شود و خلف وعده می کند، متوجه می شویم که فردی سست عنصر و ضعیف الإراده است و از چنین انسانی، امید سعادت نمی رود.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلالَ نَفْسِهِ؛^۲ خداوند هرچیزی را به مؤمن واگذار کرده، جز ذلیل کردن خویش را.

انسان ها برای مقابله با این ضعف، باید سطح آگاهی خود را بالا ببرند و از اطرافیان و محیط زندگی خود شروع کنند؛ تا بتوانند با مفسد، مقابله کنند؛ زیرا خداوند، انسان ها را شریف آفریده است و ذلت را برای آنها نمی پسندد.

۴. ترس

یکی دیگر از ریشه ها و علل مسئولیت گریزی، ترس است.

۱. المیزان، ج ۱۹، ص ۲۴۹.

۲. کافی، ج ۵، ص ۶۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۷.

با وجود این‌که که مشاهده مفاسد برای انسان، ناخوشایند است و او نمی‌خواهد بی‌اعتنا باشد، ولی ترس که جنبه روحی دارد، مانع او می‌شود. این عامل اقسامی دارد که عبارتند از:

الف. حفظ جان

گاهی انسان می‌ترسد که آسیبی به خودش یا بستگانش برسد و به همین علت، این امر مهم را ترك می‌کند یا نسبت به آن، بی‌تفاوت می‌شود.

ب. حفظ مال

گاهی شخص برای حفظ اموال خود در تجارت و دادوستدها، این امر مهم را ترك می‌کند یا نسبت به آن بی‌توجه می‌شود؛ زیرا احتمال می‌دهد افرادی با وی مقابله و دشمنی کنند و به او ضرر برسانند و گمان می‌کند منافع مالی خود را از دست خواهد داد. ریشه این ترس، ضعف ایمان است که موجب می‌شود افراد به وظیفه خود عمل نکنند؛ درحالی‌که اگر کسی بداند چگونه مردم را ارشاد کند و ترسی از ضرر و زیان مالی نداشته باشد، سخنان او اثرگذار خواهد بود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

در آخر الزمان از قومی تبعیت خواهد شد که گروهی از آنها ریاکارند و به عبادت و زهد می پردازند. آنان تازه کارانی سفیه هستند که امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند؛ مگر وقتی که از ضرر و خطر ایمن باشند و [برای فرار از تکلیف] به دنبال بهانه و راه گریز می گردند؛ از لغزش و اعمال بد دانشمندان، پیروی می کنند؛ به نماز و روزه و هرچه برایشان ضرر مالی و جانی نداشته باشد، رو می کنند و اگر هم نماز برایشان ضرر مادی داشته باشد، آن را ترك می کنند؛ چنان که برترین و ارزشمندترین واجبات [امر به معروف و نهی از منکر] را رها می کنند.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ مُرُّوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ يُقَرِّبَانِ إِلَى أَجَلٍ أَوْ إِلَى بَيْعَةٍ
رُفْقاً؛^۲ امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که

۱. يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَّقَوْنَ وَيَتَنَسَّكُونَ حَدَثَاءَ سُفَهَاءٍ لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمَّنُوا الصَّرَرَ... (کافی، ج ۵، ص ۵۵ و ۵۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۹؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ و ۱۸۱).
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

امربه معروف و نهی ازمنکر، نه مرگ کسی را نزدیک می‌کند و نه در روزی او نقصان پدید می‌آورد.

در کلام معصوم علیه السلام به افراد امرو نهی کننده، نوید عدم مرگ و عدم نقصان داده شده است. این سخن به این معناست که اگر افراد جامعه مسئولیت‌پذیر باشند و نسبت به گناه، بی تفاوت نباشند و بایکدیگر متحد شده، در مقابل مفسد ایستادگی کنند، گنه‌کاران، نمی‌توانند آسیبی به آمران و ناهیان برسانند؛ اما اگر افراد جامعه نسبت به وظایف خود مسئولیت‌گریز باشند، گنه‌کاران جرأت پیدا می‌کنند و آمران و ناهیان نیز از خطر در امان نخواهند ماند.

ج. ترس از آبرو

در اسلام به حفظ آبرو، توجه خاصی شده است و افراد نه تنها در حفظ آبروی خود، بلکه باید در حفظ آبروی دیگران نیز تلاش کنند؛ اما نباید به خاطر جلب نظر دیگران، نسبت به اوامر الهی بی‌اعتنا شوند.

د. ترس از سرزنش‌ها

یکی دیگر از عوامل مسئولیت‌گریزی افراد، ترس از سرزنش دیگران است. گاهی شخص احساس می‌کند با

تذکر دادن به افراد، دوستان و خویشان، مورد سرزنش قرار می‌گیرد و به همین دلیل، هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد؛ اما در قرآن کریم در این باره آمده است:

وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ^۱ و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند.

همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

... قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرَاقَلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ^۲؛ ... حق را گرچه به مذاق کسی تلخ باشد، بگو. [ابودر می‌گوید:] گفتم: بیشتر پندم دهید. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: در راه خداوند از سرزنش هیچ‌کس، هراس به دل خویش راه مده....

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در نامه‌ای به امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام این‌گونه سفارش کرد:

... وَأُمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَأَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ
وَلِسَانِكَ وَبَايِنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ

۱. مائده، آیه ۵۴.

۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ص ۴۷۳.

جِهَادِهِ وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَا تُم...^۱... به نیکی‌ها
امرکن و خودت نیکوکار باش و بادست و زبان،
بدی‌ها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی
و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است، تلاش کن
و هرگز سرزنش ملامت‌گران تو را از تلاش در راه خدا
باز ندارد....

همچنین آن حضرت فرمود:

... لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَا تُم...^۲... در راه دین خدا، از سرزنش
ملامت‌گران نترسید. اگر کسی بخواهد برضد شما
اقدامی کند و ستمی بر شما وارد آورد، خداوند
حمایت‌کننده‌ی شماست و او برای شما کافی
است...

در سخنان گهربار اهل بیت (علیهم‌السلام) درباره‌ی پایداری
بر اجرای دستورهای الهی و ترس نداشتن از ملامت و
سرزنش دیگران تأکید فراوانی شده است.
امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید:

فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَالْفُظُوءَ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَصُكُّوا بِهَا

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱، ص ۳۹۲ و ۳۹۳.

۲. کافی، ج ۷، ص ۵۲.

جِبَاهَهُمْ وَلَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً...^۱ با قلب خودتان، انکار کنید و این انکار را به زبان جاری کنید و پیشانی بدکاران را محکم بکوبید [رودرروی بدکاران قرار بگیرید] و در راه خدا از ملامت و سرزنش دیگران هراس نداشته باشید....

امام صادق (علیه السلام) نیز امر به معروف و نهی از منکر را بر افرادی که توان انجام آن را دارند و بر خود و یاران شان نمی ترسند، واجب دانسته و فرموده است:

وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ عَلَى مَنْ أَمْكَنَهُ ذَلِكَ وَلَمْ يَخَفْ عَلَى نَفْسِهِ وَلَا عَلَى أَصْحَابِهِ^۲
امر به معروف و نهی از منکر، بر کسی که قدرت بر انجام آن دارد و بر خود و یارانش نمی ترسد، واجب است.

«درحقیقت، این افراد چنان شهادتی دارند که از شکستن سنت های غلط و مخالفت با اکثریت هایی که راه انحراف را پیش گرفته اند، پروایی ندارند».^۳
لازم به یادآوری است که «در احکام اسلامی، بحثی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۲. همان، ص ۱۲۵، ح ۲۱۱۴۸.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱۶.

به نام تقیه مطرح می‌شود که منظور از تقیه کتمان است؛ یعنی فرد می‌ترسد از ناحیه غیر به او ضرری برسد؛ خواه ضرر بر جان یا عرض یا مال یا وابستگان او یا جهان اسلام و مانند آن.^۱

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

التَّارِكُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ كَنَازِذِ كِتَابِ
اللَّهِ وَرَأَى ظَهْرَهُ إِلَّا أَنْ يَتَّقِيَ تَقَاةً قُلْتُ وَمَا تُقَاتُهُ قَالَ
يَخَافُ جَبَّاراً عَنِيداً أَنْ يُفَرِّطَ عَلَيْهِ أَوْ أَنْ يَطْغَى؛^۲
کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، مثل
این است که قرآن و احکام آن را کنار گذاشته و به
آن پشت کرده باشد؛ مگر این که ترس و تقیه‌ای در
کار باشد. شخصی از معیار ترس و تقیه را سؤال کرد،
و آن حضرت فرمود: «مثل این که از ستم‌پیشه‌ای
خوف و هراس در کار باشد که به جان او زیان و
لطمه رساند یا این که موجب طغیان و سرکشی و
افزایش گناه نسبت به او گردد».

۱. قربانی لاهیجی، تفسیر جامع آیات الاحکام، ج ۷، ص ۲۷۷.

۲. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۱۰۳.

۵. ناامیدی

بسیاری از افراد با گسترش گناه و فساد و عادی شدن آن نزد مردم، گمان می‌کنند نمی‌توانند نسبت به اصلاح افراد و مبارزه با مفاسد، اقدام کنند؛ در صورتی که می‌توان با فساد و عوامل منفی موجود در جامعه، از طریق برخورد جدی با خطاکاران و تشویق مردم درستکار و صالح، مبارزه کرد.

در قرآن کریم آمده است:

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ؛^۱ گفت: چه کسی - جز گمراهان - از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود؟

«پس گمراهان که خدا را نشناخته و یا قادر بر همه چیز ندانسته یا در صفات الهی کوتاهی کرده، ممکن است مأیوس و ناامید باشند».^۲

در تفسیر نور آمده است:

بنی اسرائیل سه گروه بودند؛ يك دسته قانون شکن، دسته دیگر دل سوزان نصیحت‌گرو دسته ی سوم گروهی بی تفاوت بودند. بی تفاوت‌ها به

۱. حجر، آیه ی، ۵۶.

۲. طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۲.

نصیحت‌گران می‌گفتند: خود را خسته نکنید؛ زیرا حرف‌هایتان بر فاسقان اثر ندارد؛ ولی ناهیان از منکر می‌گفتند: کار ما بی‌اثر نیست؛ حداقل آن‌که ما نزد خدا معذوریم و چه بسا آنها به واسطهٔ سخن ما دست بردارند و تقوا پیشه کنند.^۱

امیرالمؤمنین، علیه السلام می‌فرماید:

... وَفِي الْقُنُوطِ التَّقْرِيطُ...^۲ ... در ناامیدی، تفریط و تقصیر است ...

همچنین فرمود:

أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ؛^۳ بزرگ‌ترین بلا، ناامیدی است.

«باید فرد را از روی امید و انتظار دعوت کرد؛ نه از روی یأس و عدم انتظار. بدیهی است که اگر انسان کاری را از روی امید انجام دهد، بهتر به ثمر می‌رسد».^۴

بنابراین افرادی که به علم و قدرت خداوند، ایمان

۱. قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۳.

۳. منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۰۴.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۰.

دارند و به او توکل می‌کنند، هرگز از رحمت پروردگار، ناامید و مأیوس نمی‌شوند.

۶. حفظ آبرو

برخی افراد برای رضایت مردم و جلب نظر دیگران، واجب الهی را ترك کرده، بایی اعتنایی از آن می‌گذرند؛ زیرا می‌پندارند تذکر دادن، آبروی آنها را به خطر می‌اندازد یا مورد تمسخر دیگران قرار می‌گیرند یا موجب ناراحتی دیگران می‌شوند و به همین دلیل، از این امر مهم، خودداری می‌کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَا تُسَخِّطُوا اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَلَا تَتَقَرَّبُوا إِلَى النَّاسِ يَتَبَاعِدُ مِنْ اللَّهِ؛^۱ برای جلب رضایت مردم، اسباب سخط الهی را فراهم نیاورید و با دوری از خداوند، به مردم نزدیک نشوید.

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود به اصحابش چنین فرمود:

إِذَا حَضَرَتْ بَلِيَّةٌ فَاجْعَلُوا أَمْوَالَكُمْ دُونَ أَنْفُسِكُمْ وَإِذَا

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۵۴.

نَزَلَتْ نَازِلَةً فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ
الْهَالِكَ مَنْ هَلَكَ دِينُهُ وَالْحَرِيبَ مَنْ حُرِبَ دِينُهُ...؛ اگر
بلایی برای شما پیش آمد، اموالتان را برای حفظ
جان خود قرار دهید و هرگاه دین شما در خطر
قرار گرفت، از جانتان مایه بگذارید؛ تا با گذشتن از
جان، دینتان حفظ شود و بدانید کسی به هلاکت
رسیده که دینش را از دست داده باشد و غارت زده
کسی است که دین او را ربوده باشند....

در این کلام نورانی تصریح شده که برای حفظ دین،
نه تنها از آبرو، بلکه از جان نیز باید گذشت.

۷. عدم احتمال تأثیر کلام

یکی دیگر از عوامل مسئولیت‌گریزی افراد، عدم
احتمال تأثیر سخن است.

برخی افراد هرچند ممکن است از بی‌اعتنایی دیگران
نسبت به ترك معروف یا انجام منکر ناراحت باشند، اما
از تذکر دادن خودداری می‌کنند و این‌گونه تصور می‌کنند
که کلام آنان، اثری ندارد، و سخن آنها مورد قبول قرار
نمی‌گیرد.

۱. وسائل الشیعة، ص ۱۹۲، ح ۲۱۳۲۰؛ کافی، ج ۲، ص ۲۱۶.

این افراد در مقابل مفاسد جامعه، مسئولیت‌گریز و بی‌اعتنا می‌شوند و فکر می‌کنند پند و اندرز آنها بی‌فایده است؛ در صورتی که امرونی، تنها به زبان نیست؛ بلکه با روش‌های مختلف، می‌توان با مفاسد مبارزه کرد؛ مثلاً با بی‌توجهی به گناهکاران می‌توان اعتراض خود را به آنها نشان داد.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید: «امام صادق علیه السلام مرا در راه مدینه ملاقات کرد و فرمود: ای حارث! گفتم: بله. امام علیه السلام فرمود: قطعاً گناه سفیهان شما را بر علما شما حمل خواهم کرد. گفتم: چرا این کار را می‌کنید فدایتان شوم؟ فرمود: چه چیز مانع می‌شود که وقتی فردی از شما عمل ناپسندی انجام داد که موجب عیب بر ما و آزار ما می‌شود، با سخن‌رسانی، او را نصیحت کنید؟ گفتم: اگر از ما اطاعت و قبول نکند [چه کنیم]؟ امام علیه السلام فرمود: از هم‌نشینی با او پرهیز کنید و از او دوری کنید.^۱

۱. لقینی ابو عبد الله فی بعض طرق المدینه قبلأ فقال: یا حارث قلت: نعم، فقال لأحملن ذنوب سفهائکم علی علمائکم، مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۹۷؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۵۱؛ مجلسی، بحار الانوار ج ۲، ص ۲۲؛ ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی،

۸. محبت افراطی

دوستی و محبت افراطی یکی از عوامل مسئولیت‌گریزی است.

گاهی محبت و شفقت نسبت به دیگران به حدی است که موجب بی‌توجهی افراد در اجرای اوامر الهی می‌شود؛ یعنی افراد، منکر و گناه دیگران را می‌بینند، ولی علاقه، مانع تذکره آنها می‌شود؛ در صورتی که محبت، باید عامل هدایت و راهنمایی و همچنین عامل تقویت دوستی باشد؛ نه بازدارنده از آن.

در قرآن نیز به این مطلب این اشاره شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُوتُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید؛ هرچند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و

مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعا] توان گریا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است. پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است.

اهمیت برپایی عدالت و اجرای اوامر الهی تاحدی است که محبت به پدر و مادر و خویشان، نباید مانع آن شود. در آیه‌ی دیگری آمده است:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ^۱ بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه

۱. توبه، آیه‌ی ۲۴.

وی دوست داشتنی تر است، پس منتظر باشید تا خداوند، فرمانش را به اجرا درآورد و خداوند، گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

هرکس به چیزی ناروا عشق ورزد، نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوشی بیمار می‌شنود. خواهش‌های نفس، پرده، عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانده است. شیفته‌ی بی‌اختیار دنیا و برده‌ی آن است و برده‌ی کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند. دنیا به هر طرف برگردد، او نیز برمی‌گردد و هرچه هشدارش دهند، از خدا نمی‌ترسد. از هیچ پند دهنده‌ای، شنوایی ندارد؛ با این‌که گرفتارآمدگان دنیا را می‌نگرد که راه پس و پیش ندارند و در چنگال مرگ اسیرند.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ يُحِبَّ فِي اللَّهِ وَيُبْغِضَ

۱. ... وَمَنْ عَشَقَ شَيْئًا أَعَسَى بَصَرُهُ وَأَمْرَصَ قَلْبُهُ فَهُوَ يُنْظَرُ بَعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِبِهِ وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ... (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹، ص ۱۶۰).

فِي اللَّهِ وَيُعْطِي فِي اللَّهِ وَيَمْنَعُ فِي اللَّهِ؛^۱ از محکم ترین رشته های ایمان، این است که حب و بغض شخص، برای خدا باشد و هرچه می دهد و مضایقه می کند، برای خدا باشد.

در تفسیر نمونه آمده است:

این موضوع معمولاً در همه اجتماعات وجود داشته که در شهادت دادن، مقیاس را حب و بغض ها و چگونگی ارتباط اشخاص با شهادت دهنده قرار می دهند؛ ولی حق و عدالت برای آنها مطرح نیست؛ در صورتی که این کار با روح ایمان، سازگار نیست و مؤمن واقعی، کسی است که در برابر حق و عدالت، هیچ گونه ملاحظه ای نداشته باشد و حتی منافع خویش و بستگان خود را به خاطر اجرای آن، نادیده بگیرد.^۲

پس هرچند شفقت و محبت نسبت به دیگران در آموزه های دینی سفارش شده، اما باید به ارزش های دینی نیز اهتمام بیشتری نشان دهیم و محبت به مردم را مقابل دوستی خداوند قرار ندهیم و در صورت تعارض، دوستی

۱. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۲۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

خداوند را برگزینیم؛ اگرچه منجر به ناراحتی مردم شود. بنابراین، محبت دیگران باید در طول دوستی پروردگار باشد.

۹. حیا و شرم مذموم

حیایی که در آیات و روایات از آن به نیکی یاد شده، از فضایل اخلاقی محسوب می‌شود؛ اما اگر جنبه خجالت و کم‌رویی و احساس حقارت پیدا کند، از ذایل اخلاقی به حساب می‌آید و صفتی مذموم است و این نوع حیا، مانع انجام دادن تکالیف الهی می‌شود و ممکن است فرد خطا و اشتباهی از دیگران ببیند، اما حیای مذموم، موجب بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی او شود.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از این نوع حیا با عنوان حیای حماقت یاد کرده، فرمودند:

الْحَيَاءُ حَيَاءٌ إِنْ حَيَاءٌ عَقْلٍ وَحَيَاءٌ حُمْقٍ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَحَيَاءُ الْحُمْقِ هُوَ الْجَهْلُ؛^۱ حیا، دو قسم است؛ حیای عقل که ثمره‌اش علم است و حیای حماقت که ثمره و نتیجه‌اش، جهل و نادانی است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۰۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۶۹؛ مرآة العقول، ج ۸، ص ۱۹۰؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۸، ص ۴۶۱.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ رَقَّ وَجْهُهُ رَقَّ عِلْمُهُ؛^۱ هر کس کم رو و خجل باشد، بی دانش و نادان خواهد بود.

همچنین فرمود:

مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُ؛^۲ کسی که از گفتن حق شرم کند، احمق است.

بنابراین، چون حیای مذموم، موجب جهل و بی تفاوتی نسبت به تکالیف الهی می شود، نکوهش شده است.

۱۰. طمع

طمع، صفتی مذموم است که موجب می شود فرد به تملق و چاپلوسی روی آورد. وقتی انسان گرفتار طمع شود، برای رسیدن به منافع، جرئت خود را از دست می دهد و فردی بی اعتنا می شود. چنین کسی برای جلب نظر دیگران، به رفتار و گفتاری روی می آورد که برایش شخصیت و اعتباری کسب کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲. منتخب میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۰۸.

الطامِعُ فِي وَثَاقِ الدُّلِّ؛^۱ طمع‌کار، گرفتار خواری است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

يُبْسُّ الْعَبْدُ عَبْدًا لَهُ طَمَعٌ يَفُودُهُ وَيُبْسُّ الْعَبْدُ عَبْدًا لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ؛^۲ بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که گرفتار طمعی باشد که او را [به خواری] بکشاند و بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که در او خواهش و رغبتی باشد که او را خوار گرداند.

طبق فرمایش امام، طمع‌کار برای رسیدن به مقاصد خود، منکر را تأیید می‌کند و نسبت به انجام دادن تکالیف الهی، فردی سازشکار و بی‌تفاوت می‌شود؛ اما همین امر، موجب خواری و ذلت او نزد مردم می‌شود.

۱۱. ناشکیبایی

یکی دیگر از عوامل مسئولیت‌گریزی، صبر و بردباری نداشتن برخی افراد در برخورد با مردم است؛ در حالی که در اسلام به صبر و شکیبایی، فراوان سفارش شده است.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۶، ص ۵۰۸؛ منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۲۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۲۰.

افراد ناشکیبا با خطا کاران، با عجله و بدون منطق، رفتار می کنند و با اولین مشکل، عقب نشینی می کنند. از آن جا که در مسیر حق، فراز و نشیب بسیار است و ممکن است در این راه انسان آسیب ببیند یا مورد تمسخر قرار گیرد، باید صبر و شکیبایی داشته باشد، تا بتواند با قوت و قدرت، مانع فساد و گناه دیگران شود. خداوند در قرآن کریم، سیره پیامبرانی را که به استهزای قومشان گرفتار شدند، اما شکیبایی ورزیدند، بیان کرده، تا مسلمانان بدانند که در طول تاریخ، استهزا در برابر حق وجود داشته است. در آیات و روایات به این صفت ممدوح بسیار سفارش شده است.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

... فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا خَيْرَ فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ؛ ... شکیبایی نسبت به ایمان، مانند سر نسبت به تن است، و در تنی که سر نداشته باشد و در ایمانی که با شکیبایی همراه نباشد، خیر و نیکی نیست.

طبق فرمایش آن حضرت، صبر و شکیبایی اهمیت فراوانی دارد؛ تا جایی که بالاترین مرتبه‌ی ایمان، معرفی شده است و بی تفاوتی نسبت به آن، خیر و نیکی را از زندگی انسان دور خواهد کرد.

همچنین آن حضرت فرمود:

و شکیبایی کن بر آنچه که از مشقت‌ها و آزارها در این راه [امر به معروف و نهی از منکر] به تومی رسد.^۱
امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی هنگام وفات پدرم، علی بن الحسین علیه السلام فرا رسید، مرا به سینه خود چسبانید و گفت: فرزندم! تو را به آن چه پدرم به هنگام وفات سفارش کرد، سفارش می‌کنم و آن‌گاه وصیت پدر را یادآور شد و فرمود:

... يَا بُنَيَّ اصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا؛^۲ ... فرزندم،
برای [حفظ عقیده و راه] حق، صبر و شکیبایی
پیشه کن؛ اگرچه [این کار] تلخ باشد.^۳

پس صبر در مکتب متعالی اسلام، ارزش فراوانی دارد

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۰۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۷۷.

۳. صادقی اردستانی، خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام سجاد علیه السلام، ص ۳۲۱.

و فرد مسئولیت پذیر اگر در راه اهداف الهی دچار ضرر و
زیانی شود، با عزمی راسخ، مقاومت و صبر می کند.
لقمان حکیم در سفارش به فرزندش گفته است:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ
الْأُمُورِ^۱

ای پسرک من! نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و
از کار ناپسند، باز دار و برآسیبی که بر تو وارد آمده، شکایا
باش که این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

۱۲. روحیه ی سازشکاری

ادهان در اصل، مثل تدهین به معنی روغن مالی
کردن است؛ ولی از آن مدارا و نرمی اراده می شود.^۲
«مدهنون در اصل از ماده ی دهن، به معنی روغن
است، و از آن جا که برای نرم کردن پوست یا اشیای دیگر
به کار می رود، کلمه «ادهان» به معنی مدارا و ملایمت و
گاهی به معنی سستی و عدم برخورد جدی آمده است.^۳

۱. لقمان، آیه ی، ۱۷.

۲. قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۶۹.

در زبان عرب نیز به فرد سازش‌کار، مدهن می‌گویند. گاهی مجریان قانون و مسئولان امور اداری و صاحبان مشاغل برای حفظ موقعیت خود، مسئولیت‌گریز می‌شوند.

افرادی که به این رذیله اخلاقی گرفتار می‌شوند، در شرایط مختلف، سازشکاری می‌کنند؛ البته انسان‌های صالح در هر موقعیتی که باشند، از تذکرات سازنده به دیگران پرهیز نمی‌کنند.

در سوره مائده، ربانیون و احبار را توبیخ می‌کند؛ زیرا آنها آلودگی‌ها و گناهان ملت خود را می‌دیدند و چون عالم به احکام دین خود بودند و می‌دانستند که این‌گونه کارها گناه و نافرمانی خداست، پس می‌توانستند آنها را راهنمایی نموده و از منکر نهی نمایند؛ اما این کار را نکردند.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمُطَامِعَ؛^۲ فرمان خدا را برپا ندارد؛ جز آن‌کس

۱. المیزان، ج ۶، ص ۳۱، ذیل آیه ۶۳ سوره مائده.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰، ص ۴۸۸.

که در اجرای حق، مدارا نکند و سازشکار نباشد و پیرو آرزوها نگردد.

همچنین آن حضرت در سخنرانی خویش فرمود:

وَلَا تَرْخَصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتُدْهِنُوا وَلَا تُدْهِنُوا فِي الْحَقِّ فَتَخْسَرُوا...؛ ای مردم! به خود اجازه ندهید [از خود سلب مسئولیت نکنید] تا سست شوید و در راه حق، سست نشوید؛ تا زیان یابید....

صلابت و قاطعیت، لازمه‌ی اجرای عدالت است و نرمش و مسامحه، موجب تضییع حقوق انسان‌ها می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام زندگی، اندک تسامحی را در زمینه حقوق افراد روانمی‌دانست؛ به گونه‌ای که حتی برخی از اصحاب از سخت‌گیری وی در اجرای عدالت به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند و آن حضرت در پاسخ فرمود:

... فلما دخلوا مكة كثرت شكايهم من

أمير المؤمنين عليه السلام فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُنَادِيًا فَنَادَى فِي

النَّاسِ اَرْفَعُوا اَلْسِنَتَكُمْ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ فَاِنَّهُ
خَشِنٌ فِي ذَاتِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ غَيْرُ مُدَاهِنٍ فِي دِينِهِ...^۱
... زبان از شکوه علی بن ابی طالب برگیرید که
به یقین او در ذات پاک خدا [و اجرای او امر او]
سخت گیر است و اهل سازش و نرمش در دین او
نیست ...

امام باقر علیه السلام می فرماید:

.... وَ اَوْحَى اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ اِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اَنِّي
مُعَذِّبٌ مِّنْ قَوْمِكَ مِائَةً اَلْفٍ اَرْبَعِينَ اَلْفًا مِّنْ شِرَارِهِمْ وَ
سِتِّينَ اَلْفًا مِّنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْاَشْرَارُ
فَمَا بَالُ الْاُخْيَارِ فَاَوْحَى اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ اِلَيْهِ دَاهِنُوا اَهْلَ
الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضَبُوا لِغَضَبِي^۲ ... خداوند به شعیب
پیامبر صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وحی کرد که من قوم تو را که صد هزار نفر
هستند، عذاب می کنم؛ چهل هزار نفر از افراد بد و
شصت هزار نفر از افراد خوب قومت را. شعیب علیه السلام
عرض کرد: پروردگارا! این عده [چهل هزار نفر]
اشارار هستند؛ اما گناه نیکان چیست؟ خداوند
متعال به او وحی کرد: نیکان امت تو در مقابل اهل

۱. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۸۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۵۶.

معصیت و اشرار، سستی کردند و به خاطر خشم من، با آنها غضب آلود برخورد نکردند.^۱

پس چه بسا افراد، پرهیزکار باشند، اما در مقابل سازشکاران، سکوت کنند و اقدامی انجام ندهند یا با آنان دوستی و هم نشینی کنند که این امر، مشارکت با آنان محسوب می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... أَمَّا إِيَّاهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَدْخُلُونَ مَدَاخِلَهُمْ وَلَا يَجْلِسُونَ مَجَالِسَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا إِذَا لَقَوْهُمْ ضَحِكُوا فِي وُجُوهِهِمْ وَأَنْسُوا بِهِمْ^۲... این دسته که خداوند از آنها مذمت کرده، هرگز در کارها و مجالس گناهکاران شرکت نداشتند؛ بلکه فقط هنگامی که آنها را ملاقات می کردند، در صورت آنها می خندیدند و با آنها مانوس بودند.^۳

طبق احادیث معصومین علیهم السلام و نظرات مفسران، بزرگان هر قومی که گناهان ملت خود را می دیدند و می دانستند سکوتشان نافرمانی خدا است، ولی از منکر

۱. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۶۹.

۳. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۳.

نهی نمی‌کردند، مورد توبیخ خداوند قرار گرفته‌اند. امیرالمومنین علیه السلام نیز با صلابت و قدرت در اجرای عدالت و برپایی احکام الهی، اقدام می‌کرد و در گرفتن حقوق افراد هیچ‌گونه تسامحی نداشت.

۱۳. سستی

سستی و بی‌حوصلگی، عاملی بازدارنده در اجرای دستورهای الهی است. کسی که دارای این صفت مذموم است، نه تنها نمی‌تواند وظایف خود را به درستی انجام دهد، بلکه نسبت به راهنمایی دیگران، بی‌مسئولیت می‌شود و چنین کسی در احادیث متعدد، مورد سرزنش قرار گرفته است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي ضَيَّعَ الْحُقُوقَ؛^۱ هرکس از سستی فرمان برد، حقوق را تباه سازد.

همچنین آن حضرت در نکوهش از نافرمانی کوفیان می‌فرماید:

آگاه باشید! من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را

۱. منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۸۰.

به مبارزه با شامیان دعوت کردم و گفتم: پیش از آن که آنها با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید. به خدا سوگند! هرملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد؛ اما شما سستی به خرج دادید و خواری و ذلت پذیرفتید؛ تا آن جا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین های شما را تصرف کرد و اینک، فرمانده معاویه با لشکرش وارد شهر انبار شده و فرماندار من، حسان بن حسان بکری، را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است. به من خبر رسیده که مردی از لشکرشام به خانه زنی مسلمان وزنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده، وارد شده و خلخال و دست بند و گردن بند و گوشواره های آنها را به غارت برده، درحالی که هیچ وسیله ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته اند...^۱

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند:

إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ

۱. «الَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَإِعْلَانًا وَقُلْتُ لَكُمْ اعْزُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَعْزُوكُمْ فَوَاللَّهِ مَا عَزَى قَوْمٌ قَطُّ...» (نهج البلاغه، خطبه ی ۲۷، ص ۶۹ و ۷۰).

مِنْ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۱ از بی‌حوصلگی و سستی پرهیز؛ زیرا اگر بی‌حوصلگی کنی، دنبال کار نمی‌روی و اگر سستی کنی، حق [خود و دیگران] را ادا نمی‌کنی. افراد بی‌تفاوت نسبت به اوامر الهی، نه تنها حقوق خود را تباه می‌سازند، بلکه نسبت به حفظ حقوق دیگران نیز سست و بی‌حوصله‌اند.

۱۴. ضعف در شخصیت دینی

احساس ضعف در شخصیت مذهبی و دینی، روحیه‌ای مذموم و ضد ارزش محسوب می‌شود و یکی از عوامل مسئولیت‌گریزی است.

چنین افرادی نه تنها نمی‌توانند به خواسته‌های صحیح خود برسند، بلکه در مواجهه‌ی با مفاسد، توانایی مقابله را نداشته، در نتیجه، بی‌توجه و مسئولیت‌گریز می‌شوند.

برای برطرف شدن این ضعف شخصیتی، باید ارزش‌های دینی را برای افراد تبیین کرد و اهمیت دستورهای اسلامی و تأثیرهای مثبت آنها را به خوبی روشن نمود.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۲؛ کافی، ج ۵، ص ۸۵.

قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام مملو از نکاتی است که روحیه خودباوری و اعتماد به نفس را در مؤمنان، ایجاد و تقویت می‌کند.
امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

... وَصَارَ دِينُ أَحَدِكُمْ لُغَةً عَلَى لِسَانِهِ...^۱ ... هريك از شما دین را تنها بر زبان می‌آورید....

گاهی ضعف دینی، نتیجه تربیت خانوادگی افراد است. خانواده‌ها همان‌گونه که به وضعیت ظاهری خوراك و پوشاك فرزندان شان توجه دارند، باید به اخلاق و حالات روحی آنان نیز توجه داشته باشند و نسبت به این امر مهم، بی‌توجه نباشند.
در قرآن آمده است:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ^۲ پس انسان باید به خوراك خود بنگرد.

«این نگرش به غذا یا منظور دقت و اندیشه در ساختمان مواد غذایی است یا این که بنگرد از چه راهی به دست آمده، حلال است یا حرام؟

۱. نهج البلاغه، خطبة ۱۱۳، ص ۱۶۸.

۲. عبس، آیه ۲۴.

بدون شك معنای ظاهری آیه، همان غذای جسمانی است؛ ولی غذای روح را نیز از طریق قیاس اولویت، می‌توان استفاده کرد؛ چراکه انسان، ترکیبی است از روح و جسم و همان‌گونه که جسم او نیاز به غذای مادی دارد، روح او نیز محتاج به غذای روحانی است.^۱

بنابراین، مؤمن نمی‌تواند نسبت به احکام الهی، بی‌اعتنا باشد و از مفاسدی که در جامعه وجود دارد، با بی‌توجهی بگذرد؛ بلکه باید نسبت به تمامی ابعاد روحی و جسمی، مسئولیت پذیر باشد.

۱۵. توطئه دشمنان اسلام

توطئه‌های دشمنان اسلام و مخالفت آنها از عواملی است که موجب بی‌مسئولیتی افراد می‌شود.

در برخی موارد، مخالفان اسلام، اقداماتی برضد مسلمانان انجام می‌دهند و باروش‌های مختلف، سعی می‌کنند منکر را معروف و معروف را منکر جلوه دهند.

منافقان مردم را به منکرات، تشویق و از نیکی‌ها باز می‌دارند؛ یعنی برعکس برنامه مؤمنان راستین که دائماً از طریق امرونی دینی در اصلاح جامعه و پیراستن

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

آن از آلودگی و فساد، کوشش دارند، منافقان دائماً سعی می‌کنند که فساد، همه جا را بگیرد و معروف و نیکی از جامعه محو شود، تا بهتر بتوانند در چنان محیط آلوده‌ای به اهداف شومشان برسند.^۱

قرآن کریم آمده است:

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً؛^۲ و به پیمان [خود] وفا کنید؛ زیرا که از پیمان، پرسش خواهد شد.

«بسیاری از روابط اجتماعی و خطوط نظام اقتصادی و مسائل سیاسی، همگی بر محور عهدها و پیمان‌ها دور می‌زند که اگر تزلزلی در آنها پیدا شود و سرمایه اعتماد از بین برود، به زودی، نظام اجتماع فرو می‌ریزد و هرج و مرج و حشتناکی بر آن حاکم می‌شود. به همین دلیل در آیات قرآن تاکید فراوان روی مسئله وفای به عهد شده است.

عهد و پیمان، معنی وسیعی دارد که هم شامل عهدهای خصوصی در میان افراد در رابطه با مسائل اقتصادی و کسب و کار و زناشویی و امثال آن می‌گردد

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۰.

۲. اسراء، آیه ی، ۳۴.

و هم شامل عهد و پیمان‌هایی که در میان ملت‌ها و حکومت‌ها برقرار می‌گردد و از آن بالاتر شامل پیمان‌های الهی و رهبران آسمانی نسبت به امت‌ها و امت‌ها نسبت به آن‌ها نیز می‌شود.^۱

بنابراین، مردم و مسئولان متعهد و مسئولیت‌پذیر، موظفند توطئه‌های دشمنان اسلام را خنثی و قوانین الهی را اجرا کنند و با تلاش و پی‌گیری مستمر، القاءات منفی دشمنان را از بین ببرند و افکار صحیح را در جامعه جایگزین کنند.

۱۶. وسوسه‌های شیطان

وسوسه‌های شیطان در انجام دادن وظایف دینی، عامل بی‌اعتنایی و مسئولیت‌گریزی در افراد است. در قرآن کریم آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ
وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ^۲؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پا
بر جای گام‌های شیطان منهدم و هرکس پا بر جای

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲. نور، آیه ی، ۲۱.

گام های شیطان نهد [بداند که] او را به زشت کاری و ناپسندی وامی دارد و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاك نمی شد؛ ولی [این] خداست که هرکس را بخواهد، پاك می گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست.

«در این آیه، خدا برای بندگان چیزهایی را اراده می کند که خلاف اراده شیطان است و فحشا و منکر نزد خدا مذموم است و نزد شیطان که انجام دهنده و خواهنده فحشا و منکر است، مطلوب است.^۱

در تفسیر نور آمده است: «سیاست شیطان، نفوذ تدریجی و گام به گام است. پس مهم ترین انتخاب برای انسان، راه مستقیم و دوری از گام های شیطان است. اشاعه فحشا نیز از گام های شیطان است و شیطان به کسی فرمان می دهد که اهل پیروی از او باشد. انسان مؤمن نیز باید بداند که شیطان، دشمن قسم خورده اوست؛ پس نباید به القائنات شیطانی، توجه کند و باید با ذکر خدا این القائنات را دفع نماید».^۲

طبق آیه ی شریفه قرآن، اراده انسان های مسئولیت گریز

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۱۱.

۲. تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

در امتداد اراده‌ی شیطان است؛ اما فرد مسئولیت پذیر در مقابل اشاعه گناه و فحشا، ایستادگی می‌کند و نمی‌تواند در برابر مفاسد، بی‌توجه باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

... همانا شیطان راه‌های خود را برای شما آسان جلوه می‌دهد؛ تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید. از وسوسه و زمزمه و فریب‌کاری شیطان روی گردانید و نصیحت آن کس را که خیرخواه شماست، گوش کنید و به جان و دل بپذیرید.^۱

همچنین می‌فرماید:

... فَأَصْبَحَ أَعْظَمَ فِي دِينِكُمْ حَزْجاً وَأَوْزَى فِي دُنْيَاكُمْ قَدْحاً مِنَ الَّذِينَ أَصْبَحْتُمْ لَهُمْ مُنَاصِبِينَ وَعَلَيْهِمْ مُتَالِّبِينَ...^۲ ... پس شیطان، بزرگ‌ترین مانع برای دین‌داری و زیان‌بارترین و آتش‌افروزترین فرد برای دنیای شماست! شیطان از کسانی که دشمن

۱. «... إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَيِّ لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَالْفُرْقَةَ الْفِتْنَةُ...» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۱، ص ۱۷۸).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۸.

سرسخت شما هستند و برای درهم شکستنشان
کمر بسته اید، خطرناک تر است....

از آن جا که وسوسه و اغوای شیطان، راه های انحراف
را بر روی افراد می گشاید و موجب پراکندگی آنان می شود،
افراد مسئولیت پذیر و دین دار، در مقابل وسوسه ها مانند
کوهی راسخ، می باشند و با دعوت مردم به یکپارچگی
و وحدت، از هرگونه انحراف و گناه، جلوگیری می کنند.

۱۷. ناآگاهی از اهمیت مسئولیت پذیری و آثار ترک آن

ناآگاهی نسبت به مسئولیت پذیری، می تواند عامل
مسئولیت گریزی باشد.

از این رو، افراد باید نسبت به این امر، آگاهی پیدا
کنند و بدانند که انبیا و اوصیا در راه انجام دستورهای
الهی، شهید شدند، تا حق از میان نرود؛ چنان که در قرآن
آمده است:

يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ^۱ و پیامبران را به ناحق می کشتند

يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ^۲ و پیامبران را به ناحق می کشتند

۱. آل عمران، آیه ۱۱۲.

۲. بقره، آیه ۶۱.

وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ^۱ و دادگستران را
به قتل می‌رسانند.

همچنین ناآگاهی از پیامدهای تلخ و ناگوار
مسئولیت‌گریزی می‌تواند عامل سستی باشد و چه بسا
این سستی و بی‌تفاوتی، موجب خشم و غضب الهی
شود و آثار ناگواری برای افراد مسئولیت‌گریز داشته باشد.
برخی آثار منفی بی‌تفاوتی به احکام الهی عبارتند از:
الف. مفسدان و خطاکاران جرئت و قدرتشان در
ارتکاب گناه بیشتر می‌شود.

ب. افراد، آسیب‌پذیر و پایه‌های استقلال جامعه
سست می‌شوند.

ج. مفساد اجتماعی گسترش می‌یابد و افراد مؤمن
نیز در امان نخواهند ماند.

د. خیر و برکت از جامعه برداشته شده، اشرار بر آنها
مسلط می‌شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: تا زمانی که امت
من امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بر نیکی و تقوا
همکاری داشته باشند، در خوبی هستند و هرگاه این

۱. آل عمران، آیه ۲۱.

امور را ترك کنند، برکت‌ها از آنان برداشته شده، برخی بر برخی دیگر مسلط می‌شوند و برای آنان یآوری در زمین و آسمان نخواهد بود.^۱

۱. «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» (وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۱۲۳).

فصل دوم

پیامدهای مسئولیت‌گریزی

مسئولیت‌پذیری (امر به معروف و نهی از منکر) را می‌توان از احکام مهم دینی به‌شمار آورد؛ زیرا در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

اگر نسبت به این امر مهم، سهل‌انگاری و کوتاهی شود، تأثیر مهمی بر سایر فرایض دینی داشته، پیامدهایی منفی، چون بدعت در دین، شیوع و گسترش فساد و بی‌بندوباری را به دنبال خواهد داشت و در چنین جامعه‌ای، افراد مؤمن، آسیب دیده، حیات مادی و

معنوی آنان به خطر می افتد و جامعه دچار سقوط و انحطاط می شود.

بی تفاوتی نسبت به فساد و گناه، می تواند پایه های اعتقادی و دینی افراد را سست کند و زندگی مادی و حیات معنوی آنان را به خطر بیندازد و در این صورت افراد بی تفاوت نسبت به این امر، در معرض هلاکت واقع می شوند، زیرا «ترك كننده نهی از منکر نیز همانند انجام دهنده همان منکر است»^۱.

بنابراین، افراد با ایمان، باید در اجرای دستورهای الهی و احکام اسلام، راسخ و ثابت قدم باشند؛ تا از پیامدهای منفی ترك آن در امان بمانند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ
وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا^۲؛ و چیزی
را که بدان علم نداری، دنبال مکن؛ زیرا گوش و
چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.
خداوند متعال در قرآن کریم افراد را نسبت به

۱. فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۳۹۳.

۲. اسراء، آیه ۳۶.

اعضای بدنشان خود مسئول دانسته و این امر اهمیت مسئولیت‌پذیری را یادآوری کرده است.

انسان‌ها نمی‌توانند نسبت به خود و محیط اطرافشان، بی‌تفاوت باشند؛ زیرا طبق این آیه شریفه، خداوند از اعضا بدن نیز پرسش خواهد کرد و افراد بی‌تفاوت و مسئولیت‌گریز، مورد مواخذه‌ی خداوند قرار خواهند گرفت.

تا زمانی که گروهی از اندیشمندان متعهد و مسئول وجود دارند که در برابر مفاسد، ساکت نمی‌نشینند و به مبارزه برمی‌خیزند، جامعه به تباهی و نابودی، کشیده نمی‌شود؛ اما زمانی که بی‌تفاوتی و سکوت در تمام سطوح، حکم فرما شود و جامعه در برابر عوامل فساد، بی‌دفاع بماند، فساد و نابودی حتمی است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

... ماهمه از خداييم و به سوي او باز مي‌گرديم. فساد، آشکار شد. نه انکارکننده و تغییردهنده دیده می‌شود و نه بازدارنده‌ای که خود آلوده نباشد. آیا با این وضع نکبت بار، می‌خواهید در جوار قدس حق قرار گیرید و سر

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۷۴.

افرازترین دوستان خدا باشید؟ هیهات. خدا را نسبت به بهشتش نمی توان فریفت و جز با طاعتش، امکان رسیدن به خشنودی اش نیست. لعنت خدا بر آمران به معروفی که خود تارك معروفند، و ناهیان از منکری که خود آلوده به منکرند.^۱

پیامدهای ناگوار مسئولیت گریزی، برخی فردی و بعضی اجتماعی اند:

پیامدهای فردی مسئولیت گریزی

۱. دشمنی با خدا

از آن جا که مسئولیت پذیری از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است، بی توجهی و مسئولیت گریزی، مبارزه با خداوند محسوب می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

... إِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ

۱. «... إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكَرَ مُعَيَّرٌ وَلَا زَاجِرٌ مُرَدِّجٌ أَقْبَهُدَا تُرِيدُونَ أَنْ تُجَاوِرُوا اللَّهَ فِي دَارِ قُدْسِهِ...» (نهج البلاغه، خطبة ۱۲۹، ص ۱۸۷ و ۱۸۸).

اللَّهُ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِالْعِدَاوَةِ...؛^۱ ... هرگاه کسی منکری را مشاهده کند و آن را انکار نکند، درحالی که قدرت بر انکار دارد، درحقیقت دوست دارد که معصیت خدا گردد و کسی که دوست داشته باشد معصیت خدا شود، با خدا به مبارزه پرداخته و دشمنی کرده است...

فضیل بن عیاض می‌گوید:

...سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي يَتَوَرَّعُ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَيَجْتَنِبُ هَؤُلَاءِ وَإِذَا لَمْ يَتَّقِ الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ وَإِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِالْعِدَاوَةِ...؛^۲ ... از امام صادق علیه السلام پرسیدم: پرهیزگار کیست؟ فرمود: پرهیزگار، کسی است که از حرام‌های خدا دوری و پرهیز کند. کسی که از امور مشتبه نپرهیزد، گرفتار حرام می‌شود؛ بدون این که حرام را بشناسد و کسی که کار زشتی را بنگرد و با داشتن قدرت، درصدد منع آن برنیاید،

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۰۸.

۲. کافی، ج ۵، ص ۱۰۸.

دوستدار معصیت خداست و چنین کسی،
دشمنی خود را با خدا آشکار کرده است...^۱

۲. واژگونی قلب

پای بندی به دین اسلام و اجرای دستورهای الهی،
موجب بینش صحیح می شود و در این صورت، فرد به
حیات طیبۀ دنیوی و اخروی خواهد رسید.

اگر انسان به دستورهای الهی پای بند نباشد و نسبت
به انجام خوبی ها و ترك مفاسد، بی اعتنا باشد، دچار
اشتباه در تشخیص شده، بدی را خوب و خوبی را بد
می داند. و چنین کسی دارای قلبی واژگون است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

[إِنَّ أَوَّلَ مَا تُغْلِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْجِهَادِ الْجِهَادُ
بِأَيْدِيكُمْ ثُمَّ بِالْسِنَتِكُمْ ثُمَّ بِقُلُوبِكُمْ فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ
مَعْرُوفًا وَلَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا قُلِبَ فَجْعِلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ
وَأَسْفَلُهُ أَعْلَاهُ؛^۲

اولین مرحله از جهاد که در آن بازمی مانید، جهاد

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۶۷.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۵، ص ۵۴۲.

با دستانتان، سپس جهاد با زبان و آن‌گاه جهاد با قلب‌هایتان است. کسی که با قلب، معروفی را ستایش نکند و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون گشته، بالای آن، پایین و پایین آن، بالا قرار خواهد گرفت.

۳. جدایی از خدا و معصومان علیهم‌السلام

اسلام، دین کامل و انسان‌سازی است و برای هدایت و تعالی انسان‌ها، انبیا و اولیای معصوم را فرستاده است. اگر افراد نسبت به تعالیم الهی بی‌اعتنا باشند و از راهنمایی و هدایت معصومان علیهم‌السلام بهره‌ای نبرند، اعمال‌شان تباه شده، از خدا و معصومان علیهم‌السلام، دور می‌شوند.

در قرآن کریم آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ! ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از پیامبر [و نیز] اطاعت نمایید و اعمال خود را تباه نکنید.

در تفسیر نمونه در این باره آمده است:

کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند

و بعد از روشن شدن حق، به مخالفت با رسول خدا ﷺ برخاستند، هرگز زبانی به خدا نمی‌رسانند و اعمالشان را حبط و نابود می‌کنند [حتی اگر کار خیری هم انجام داده‌اند، چون با ایمان قرین نبوده حبط می‌شود].^۱

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كِبِيرَنَا وَيَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۲ «از ما نیست کسی که به کوچک ما ترحم نکند و بزرگ ما را احترام ننماید و به معروف امر و از منکر نهی نکند».

پیامدهای اجتماعی مسئولیت‌گریزی

۱. واژگونی ارزش‌ها

منظور از واژگونی ارزش‌ها این است که افراد نسبت به مفاسد، بی‌اعتنا شده، ضد ارزش‌ها جایگزین ارزش‌ها شود و توصیه به خیر و نیکی، کم‌رنگ و بدی تبدیل به خوبی و خوبی تبدیل به بدی شود.

آیه الله طالقانی در این باره نوشته است:

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۸۴.

۲. ابن ابی جمهور احسانی، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، ج ۱، ص ۱۰۸.

اگر در اجتماع، افراد، ایمان، عمل صالح و توصیه به حق داشته باشند، شرایط رشد استعداد های انسانی و مادی و مصونیت از زیان، فراهم می‌شود؛ اما اجتماع واژگونی که فاقد ایمان و عمل صالح و تواصی به حق و صبر باشد، هرگونه نیروهای علمی و ابزار صنعتی در راه اسارت مردم و زیان عمومی به کار می‌رود.^۱

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

چه حالی خواهید داشت زمانی که زنان و جوانانتان فاسد و فاسق گردند و شما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ گفته شد: ای رسول خدا! آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد [که زنان و جوانان به دنبال فساد باشند و کسی آنها را امر به معروف و نهی از منکر نکند]؟

فرمود: آری، بدتر از آن نیز خواهد شد [و ادامه داد]: چه خواهید کرد آن‌گاه که به منکر، امر و از معروف، نهی کنید؟ سؤال شد: ای رسول خدا! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری و بدتر از آن [هم خواهد بود] و آن این‌که معروف‌ها [و خوبی‌ها و ارزش‌ها] را بد بدانید و منکرات

۱. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۲۴۸.

[وزشتی ها و گناهان] را خوب و پسندیده بشمارید.^۱

حدیفه از پیامبر ﷺ نقل می کند که فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ فِيهِمْ جِيْفَةُ الْحِمَارِ
أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَأْمُرُهُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ
عَنِ الْمُنْكَرِ^۲ «زمانی بر مردم خواهد آمد که مردار
درازگوش، برایشان دوست داشتنی تر است از
مؤمنی که امر به معروف و نهی از منکر کند.

پس اگر افراد نسبت به مفاسد، بی توجه شوند، ضد
ارزش ها جایگزین ارزش ها شده، در این صورت، ارزش
انسان، کمتر از حیوان می شود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

... پس در آن هنگام که [امویان بر شما تسلط یابند]
باطل بر جای خود استوار شود و جهل و نادانی بر مرکب ها
سوار و طاغوت زمان، عظمت یافته، دعوت کنندگان
به حق، اندک و بی مشتری خواهند شد و روزگار مانند
درنده ی خطرناکی، حمله ور شده، باطل پس از مدت ها

۱. «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شَبَابُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ
تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَقِيلَ لَهُ وَيَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ...» کافی،

ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۲.

۲. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۹۷.

سکوت، نعره می‌کشد و مردم در شکستن قوانین خدا، دست در دست هم می‌گذارند و در جدا شدن از دین، متحد می‌شوند و در دروغ‌پردازی، با هم دوست و در راست‌گویی، دشمن یکدیگر می‌شوند و چون چنین روزگاری فرارسد، فرزند با پدر، دشمنی ورزد و باران خنک‌کننده، گرمی و سوزش آورد. پست فطرتان، همه‌جا را پر می‌کنند. نیکان و بزرگواران، کمیاب می‌شوند. مردم آن روزگار، چون گرگان و پادشاهان چون درندگان می‌شوند و تهدیدستان طعمه آنان و مستمندان مانند مردگان خواهند شد. راستی از میانشان رخت برمی‌بندد و دروغ، فراوان می‌شود. افراد با زبان، تظاهر به دوستی دارند، اما در دل دشمن یکدیگرند. به گناه، افتخار می‌کنند و از پاک‌دامنی، به شگفت می‌آیند و اسلام را چون پوستینی واژگون می‌پوشند...^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

بُسَ الْقَوْمِ قَوْمٌ يَعْيُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالْتَهَى عَنِ

۱. «... فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا خَذَهُ وَرَكِبَ الْجَهْلُ مَرَائِبَهُ وَعَظَمَتِ الطَّاعِيَةُ وَقَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَصَالَ الدَّهْرُ صِيَالَ السَّبْعِ الْعَقُورِ وَهَدَرَ فَنِيئُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُظُومٍ...»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸، ص ۱۵۷.

الْمُنْكَرُ^۱ بد گروهی هستند آنان که امر به معروف و نهی از منکر را عیب می دانند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

وَيْلٌ لِّمَنْ يَأْمُرُ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَى عَنِ الْمَعْرُوفِ^۲؛ وای بر کسی که به منکر، امر و از معروف، نهی کند.

عوامل ایجاد واژگونی ارزش ها

الف. از بین رفتن قبح گناه

با از بین رفتن روحیه مسئولیت پذیری، گناهان ترویج پیدا می کنند و قبح خود را از دست می دهند و افراد بر انجام گناهان، جسور می شوند و عمل بد در نظر افراد، خوب و عمل خوب، بد جلوه می کند.

در قرآن کریم آمده است:

وَزَيْنٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۳؛ و شیطان آن چه را انجام می دادند، برایشان آراسته است.

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۷، ح ۵؛ مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۴۰۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۸۷.

۳. انعام، آیه ۴۳.

ب. رغبت به فرهنگ بیگانه

در جامعه‌ای که افراد آن مسئولیت‌پذیر نباشند و نسبت به ارزش‌ها سست و بی‌توجه شوند، تمایل و رغبت به فرهنگ بیگانه در آنان به وجود خواهد آمد؛ یعنی آداب، رسوم، فرهنگ و اعتقادات، تغییر می‌کنند و مردم به فرهنگ بیگانه، نزدیک می‌شوند.

در قرآن کریم آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ؛ ای
کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل
کتاب، فرمان برید، شما را پس از ایمانتان، به حال
کفر برمی‌گردانند.

آیه‌الله مکارم در این باره می‌نویسد:

در این آیه، روی سخن را به مسلمانان اغفال شده
کرده و به آنها هشدار می‌دهد که اگر تحت تأثیر
سخنان مسموم دشمن واقع شوند و به آنها
اجازه دهند که در میان افرادشان نفوذ کنند و به
وسوسه‌های آنها ترتیب اثر دهند، چیزی نخواهد
گذشت که رشته ایمان را به کلی خواهند گسست

و به سوی کفر، بازمی گردند؛ زیرا دشمن، نخست می کوشد آتش عداوت را در میان آنها شعله ور سازد و آنها را به جان هم بیفکند و مسلماً به این مقدار، قناعت نخواهد کرد و به وسوسه های خود همچنان ادامه می دهد؛ تا به کلی آنها را از اسلام بیگانه سازد.^۱

پیروی از فرهنگ بیگانگان، نشانه ضعف و سستی در ایمان و خودباختگی در مقابل بیگانگان است.

ج. استهزای ارزش ها

بابی اعتنایی نسبت به مفاسد، اهل گناه به تمسخر ارزش ها می پردازند. افرادی که گرفتار گناه شده اند، نه تنها در عمل، مسئولیت پذیر نیستند، بلکه ارزش ها را نیز به تمسخر می گیرند.

در قرآن کریم آمده است:

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۲ و هنگامی که [به وسیله اذان، مردم را] به نماز می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ زیرا آنان مردمی اند که

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳.

۲. مائده، آیه ۵۸.

نمی‌اندیشند.

در آیه‌ی دیگری آمده است:

زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ
الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ
يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛^۱ زندگی دنیا در چشم
کافران، آراسته شده است و مؤمنان را ریشخند
می‌کنند و [حال آن‌که] کسانی که تقوای پیشه‌اند،
در روز رستاخیز، از آنان برترند و خدا به هرکسی
بخواهد، روزی بی‌شمار می‌دهد.

افراد مسئولیت‌پذیر در برخورد با دیگران، منطقی
هستند؛ ولی کسانی که به گناه آلوده شده‌اند، اهل استهزا
هستند. پس باید از رابطه و دوستی با افرادی که ارزش‌ها
را به تمسخر می‌گیرند، پرهیز کنیم.

د. دفاع و ترویج از ضد ارزش‌ها

در جامعه‌ای که معروف و منکر جایگاه خود را از
دست بدهند، افکار عمومی نیز دچار تغییر می‌شوند و از
ضد ارزش‌ها دفاع کرده، به ترویج آنها می‌پردازند؛ هرچند
این افراد توجیه منطقی برای کارهای خود نداشته باشند.

۱. بقره، آیه‌ی ۲۱۲.

قرآن نیز از این افراد در سوره اعراف چنین یاد می‌کند:

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ
أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ
عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۱ و چون کار زشتی کنند،
می‌گویند: پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را
بدان فرمان داده است. بگو: قطعاً خدا به کار
زشت، فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید،
به خدا نسبت می‌دهید؟

آیه الله مکارم می‌نویسد:

مسئله تقلید کورکورانه از نیاکان، به اضافه تهمت
به ساحت مقدس پروردگار، دو عذر ساختگی و
ناموجه هستند که شیطان صفتان در اعمال خود،
غالباً به آن متشبث می‌شوند.

جالب این‌که قرآن در پاسخ آنها اعتنایی به دلیل
اول، یعنی پیروی کورکورانه از نیاکان نمی‌کند؛
گویا آن را مستغنی از هرگونه جواب می‌داند؛ زیرا
عقل سلیم، آن را درک می‌کند؛ به علاوه، کراراً در
قرآن به پاسخ آن اشاره شده است و تنها به پاسخ
دوم قناعت کرده، می‌گوید: خداوند، هرگز به

۱. اعراف، آیه ۲۸.

کارهای زشت و قبیح، فرمان نمی‌دهد؛ زیرا حکم
 او از فرمان عقل، جدا نیست (قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ
 بِالْفَحْشَاءِ) دستور به فحشا، طبق صریح آیات
 قرآن، کار شیطان است؛ نه کار خداوند و خداوند،
 تنها به نیکی‌ها و خوبی‌ها فرمان می‌دهد.^۱
 درآیه‌ی دیگری آمده است:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ
 قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ
 آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ^۲ و چون به
 آنان گفته شود: به سوی آن چه خدا نازل کرده
 و به سوی پیامبر[ش] بیایید، می‌گویند: آن چه
 پدران خود را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. آیا
 هرچند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت
 نیافته بودند؟

یکی از نشانه‌های عدم ایمان و پیروی از شیطان،
 تقلید کورکورانه و پای‌بندی به روش‌های غلط نیاکان
 است.

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۲. مائده، آیه ۱۰۴.

۲. زوال برکت و نعمت های الهی

یکی از آثار مسئولیت گریزی، سلب برکت، خیر و رحمت پروردگار از مردم است.

با توجه به آیات و روایات، استفاده ناصحیح از نعمت های الهی، موجب سلب برکت از مردم می شود. بنابراین، بابت توجهی نسبت به گناه و فراگیر شدن ظلم و فساد، نعمت، تبدیل به نعمت می شود. خداوند متعال می فرماید:

... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...^۱ ... در حقیقت، خدا حال هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ تا آنان خودشان وضع خودشان را تغییر دهند...

و نیز می فرماید:

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۲ خداوند، نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی دهد؛ مگر آن که آنان آن چه را در دل دارند،

۱. رعد، آیه ۱۱.

۲. انفال، آیه ۵۳.

تغییر دهند و خدا، شنوای داناست.

آیه‌الله مکارم در این باره می‌نویسد:

فیض رحمت خدا، بی‌کران و عمومی و همگانی است؛ ولی به تناسب شایستگی‌ها و لیاقت‌ها، به مردم می‌رسد. در ابتدا، خدا نعمت‌های مادی و معنوی خویش را شامل حال اقوام می‌کند؛ چنانچه نعمت‌های الهی را وسیله‌ای برای تکامل خویش ساختند و از آن در مسیر حق مدد گرفتند و شکر آن را که همان استفاده صحیح است، به جا آوردند، نعمتش را پایدار، بلکه افزون می‌سازد؛ اما هنگامی که این مواهب، وسیله‌ای برای طغیان و سرکشی و ظلم و بی‌دادگری و تبعیض و ناسپاسی و غرور و آلودگی گردد، در این هنگام، نعمت‌ها را می‌گیرد و یا آن را تبدیل به بلا و مصیبت می‌کند. بنابراین، دگرگونی‌ها همواره از ناحیه ماست و گر نه، مواهب الهی، زوال‌ناپذیر است.^۱

در قرآن کریم آمده است:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۰۷.

فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۱؛ و اگر مردم
شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً
برکت هایی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم؛
ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردشان
[گریبان] آنان را گرفتیم.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد: به طور کلی
همه اجزای عالم، مانند اعضای یک بدن، به یکدیگر
متصل و مربوط است؛ به طوری که صحت و سقم و
استقامت و انحراف یک عضو، در صدور افعال از سایر
اعضا تأثیر داشته و این اجزا به طوری که قرآن شریف بیان
کرده، همه به سوی خدای سبحان و آن هدفی که خداوند
برای آنها مقدر نموده، در حرکت هستند و انحراف و
اختلال حرکت یک جزء از اجزای آن، مخصوصاً اگر از
اجزای برجسته باشد، در سایر اجزا، به طور نمایان، اثر
سوء باقی می گذارد و در نتیجه، آثاری هم که سایر اجزای
عالم در این جزء دارند، فاسد شده، فسادى که از جزء
مزبور در سایر اجزا راه یافته بود، به خودش برمی گردد. اگر
جزء مزبور به خودی خود و یا به کمک دیگران، استقامت
قبلی خود را به دست آورد، حالت رفاه قبل از انحرافش

۱. اعراف، آیه ی ۹۶.

هم برمی‌گردد؛ ولی اگر به انحراف و اعوجاج خود ادامه دهد، فساد حال و محنت و ابتلاش نیز ادامه خواهد یافت، تا آن جا که انحراف و طغیان‌ش از حد بگذرد و کار سایر اجزا و اسباب مجاورش را به تباهی بکشانند. این جاست که همهٔ اسباب جهان علیه او قیام نموده و باقوایی که خداوند به منظور دفاع از حریم ذات و حفظ وجودشان در آنها به ودیعه سپرده، جزء مزبور را تا خبردار شود، از بین برده و نابود می‌سازند.

پس اگر امتی از امت‌ها از راه فطرت منحرف گردد، و در نتیجه، از راه سعادت انسانی که خداوند برایش مقرر کرده، بازماند، اسباب طبیعی هم که محیط به آن است و مربوط به اوست، اختلال یافته و آثار سوء این اختلال به خود آن امت، برمی‌گردد؛ زیرا خود فرد با انحراف و کج‌روی‌اش، آثار سوئی در اسباب طبیعی باقی می‌گذارد و معلوم است که در بازگشت آن آثار، چه اختلال‌ها و محنت‌هایی متوجه اجتماعش می‌شود. فساد اخلاق و قساوت قلب و از بین رفتن عواطف رقیقه، روابط عمومی را از بین می‌برد و هجوم بلیات و تراکم مصیبات، تهدید به انقراضش می‌کند. آسمان از باراندن باران‌های فصلی و زمین از رویاندن زراعت و درختان دریغ نموده و در

عوض، باران‌های غیر فصلی، سیل، طوفان و صاعقه به راه انداخته و زمین با زلزله آنان را در خود فرو می‌برد.^۱

پس اگر افراد نسبت به نعمت‌های الهی، مسئولیت‌گریز و ناسپاس باشند، خداوند نیز نعمت‌ها را از آنها سلب خواهد کرد؛ در صورتی که خداوند برای افراد متعهد و مومن، درهای برکت را می‌گشاید.

امام سجاد علیه السلام با اشاره به این آیه می‌فرماید:

گناهانی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهند، عبارتند از: ظلم به مردم، ناسپاسی خداوند و رها کردن کارهای خیری که انسان به آن عادت کرده است.^۲

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ^۳ آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار

۱. المیزان، ج ۸، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۲. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۸۷.

۳. انعام، آیه ۶.

امت‌ها را هلاك كردیم؟ [امت‌هایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده‌ایم و [باران‌های] آسمان را پی‌درپی بر آنان فرو فرستادیم و رودبارها از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم. پس ایشان را به [سزای] گناهانشان، هلاك كردیم و پس از آنان، نسل‌های دیگری پدید آوردیم.

در تفسیر نور در تفسیر این آیه آمده است: توجه به زوال نعمت‌ها و سرنگونی گنه‌کاران، از عوامل غفلت‌زدایی است و کیفر آنان که از امکانات خدادادی استفاده‌ی سوء کنند، نابودی است و هلاکت مردم به سبب گناهانشان، از سنت‌های الهی می‌باشد.^۱ خداوند در آیه‌ی دیگری می‌فرماید:

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ^۲ و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر

۱. تفسیر نور، ج ۳، ص ۲۱۰.

۲. هود، آیه‌ی ۵۲.

نیروی شما بیفزاید و تبه‌کارانه روی برمگردانید.

در تفسیر نور آمده است:

پس اعمال و عقاید، در رویدادهای طبیعی مؤثرند و قوم عاد به خاطر شرك و گناه، به کمبود و خشك سالی، گرفتار شده بودند...^۱

در تفسیر نمونه آمده است:

ممکن است ما بعضی از مراحل پیوند استغفار را با نزول برکت‌های مادی، نتوانیم درست درك کنیم؛ ولی بدون شك، قسمت بیشتری از آن برای ما قابل درك است.^۲

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتِ وَسَلِطَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ؛^۳ تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نموده، یکدیگر

۱. تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۳۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۳۳.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱.

را بر نیکی یاری کنند، همواره در خیر و سعادت خواهند بود، و درغیراین صورت، برکت‌های الهی از آنان گرفته خواهد شد و برخی [اشارار] بر دیگران مسلط خواهند شد و در زمین و آسمان، یآوری نخواهند داشت.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ [تَعَالَى] فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا فَنُ أَذَاهُ زَادَهُ مِنْهَا وَمَنْ قَصَّرَ فِيهِ خَاطِرَ بَرِّ زَوَالِ نِعْمَتِهِ؛^۱ خدا را در هر نعمتی حقی است هرکس آن را بپردازد، فزونی یابد و آن‌کس که نپردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار می‌گیرد.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده است:

... لَمْ تَظْهَرَ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُغْلِبُوهَا إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا وَلَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَشِدَّةِ الْمُسُونَةِ وَجَوْرِ السُّلْطَانِ وَلَمْ يَمْنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مَنَعُوا

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴، ص ۵۱۱.

الْفَطْرَمِينَ السَّمَاءِ...!... هیچ‌گاه در مردمی فاحشه
[زنا] پیدا نشود که آن را آشکار کنند، مگر این‌که در
میان‌شان طاعون و دردهایی که در گذشتگان آنان
سابقه نداشته، پدید می‌آید و از پیمان‌ها و ترازو کم
نگذارند، مگر این‌که به قحطی و سختی در تأمین
مخارج زندگی و ستم سلطان، دچار شوند و از
دادن زکات، منع ننمایند، مگر این‌که آمدن باران
آسمان بر آنها ممنوع گردد... .

بر اساس کلام معصومین علیهم‌السلام افراد و اقوام و مللی
که به معصیت و گناه روی آورند و نسبت به نعمت‌های
الهی بی‌تفاوت و مسئولیت‌گریز باشند، دچار قهر و
غضب خداوند خواهند شد.
امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

أَيُّمَا نَاشِئٍ نَشَأَ فِي قَوْمِهِ ثُمَّ لَمْ يُؤَدِّبْ عَلَى مَعْصِيَةِ كَانَ
اللَّهُ أَوَّلَ مَا يُعَاقِبُهُمْ بِهِ أَنْ يَنْقُصَ فِي أَزْوَاجِهِمْ^۲؛ هر
گناهی که در جامعه رواج پیدا کند و بر آن معصیت
اعتراضی صورت نگیرد، اولین چیزی که خداوند

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۷۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۸؛ شیخ
صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۲۳.

آنها را به آن عذاب می‌کند، این است که ارزاق آنها را کم می‌کند.

در حدیث دیگری آمده است:

حَيَاةُ دَوَابِّ الْبَحْرِ بِالْمَطَرِ، فَإِذَا كَفَّ الْمَطَرُ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَذَلِكَ إِذَا كَثُرَتِ الذُّنُوبُ وَالْمَعَاصِي^۱؛
زندگی موجودات دریا، به وسیله باران است.
هنگامی که باران نبارد، هم خشکی‌ها به فساد کشیده می‌شود و هم دریا و این هنگامی است که گناهان فزونی گیرد.

بنابراین، فساد گناه‌کاران، مانع از سودبخشی آب و خاک و عامل زوال نعمت‌های الهی است.

در دعاها می‌خوانیم:

...وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِي
الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ
وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَزِدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۲۰۰.

تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ
الْغَطَاءَ... ۱

در این دعاها از گناهانی که بدبختی‌ها، دگرگونی و زوال نعمت‌ها، فرود آمدن بلاها و... را در پی دارد، به خداوند پناه می‌بریم و بخشش این گناهان را از او درخواست می‌کنیم.

۳. تسلط اشرار

در جامعه‌ای که نسبت به مفسد بی‌اعتنایی وجود داشته باشد، افراد گنه‌کار، جسارت و جرئت ارتکاب گناه پیدا می‌کنند و ظلم و فساد، گسترش می‌یابد و در این صورت، اشرار در جامعه زیاد شده، بر مردم چیره می‌شوند و آرامش و آسایش را از آنان سلب می‌کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلُونَ الْأَدْبَارَ
وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا^۲؛ بآن که قبلاً با خدا سخت
پیمان بسته بودند که پشت [به دشمن] نکنند و
پیمان خدا همواره بازخواست دارد.

۱. کافی، ج ۴، ص ۷۲.

۲. احزاب، آیه ۱۵.

در تفسیر نمونه آمده است:

سپس قرآن، این گروه منافق را به محاکمه می‌کشد و می‌گوید: آنها قبلاً با خدا عهد و پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند و بر سر عهد خود در دفاع از توحید و اسلام و پیامبر، بایستند. مگر آنها نمی‌دانند که عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت و آنها در برابر آن مسئولند.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت خود به حسنین علیهم السلام فرمود:

... لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ [أَشْرَارُكُمْ] ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ...^۲ ... امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌شوند و آن‌گاه هر چه خدا را بخوانید، جواب نمی‌دهد...

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خداوند، پیامبری به نام ارمیا علیه السلام برای بنی اسرائیل

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۳۰.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۴۲۲؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۰.

فرستاد... و به او وحی می کرد که به بنی اسرائیل بگو: من آنان را از هریگانه ای پاک کردم و همه جباران و ستم گران را از حکومت آنان برکنار نمودم؛ اما آنان به وعده [و میثاق الهی] خود عمل نکردند و به گناهان روی آوردند. بنابراین، کسی را بر آنان مسلط خواهم ساخت که خونشان را بر زمین ریزد؛ اموالشان را غارت کند... و اگر [برای نجات خود] دعا کنند، اجابت نخواهد شد... وقتی ارمیا علیه السلام این پیام را به آنان رساند، علمای آنان بی تاب شده، گفتند: ای رسول خدا! گناه ما چیست؟ ما که مانند آنان مرتکب گناه نشده ایم!... وحی آمد که به آنان بگو: [گناه شما این است که] شما منکر را دیدید، ولی از آن نهی نکردید. خداوند بر آنان «بخت نصر» را مسلط ساخت. [آن گاه امام به مخاطب خویش فرمود:] می دانی و شنیده ای که چه بر سر آنان آورد.^۱

امام رضا علیه السلام می فرماید:

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُستَعْمَلَنَّ

۱. «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ نَبِيًّا يَقَالُ لَهُ إِزْمِيَا فَقَالَ قُلْ لَهُمْ مَا بَلَدٌ مَنَعْتُهُ مِنْ كِرَامِ الْبُلْدَانِ وَغَرَسَ فِيهِ مِنْ كِرَامِ الْغُرُوسِ وَنَقِيئُهُ مِنْ كُلِّ غَرْبِيَّةٍ...» (مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۹۱).

عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛^۱ امر به معروف و نهی از منکر کنید که درغیراین صورت، اشرار شما، شما را به کار خواهند کشید [و بر شما حاکم خواهند شد]. آن‌گاه خوبان شما [برای رهایی از ظلم و جور اشرار] دعا می‌کنند؛ ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود.

پس اگر در برابر فساد، انحراف و گناه، بی تفاوت باشیم، فساد به تدریج، گسترش پیدا می‌کند؛ آزادی از افراد سلب می‌شود؛ محیط اجتماعی دچار ناامنی می‌شود و در نتیجه، افراد فاسد بر مردم حاکم خواهند شد.

۴. شیوع خرافه و اندیشه‌های انحرافی

با گسترش فساد و بی‌توجهی مردم نسبت به آن، افکار و اندیشه‌های انحرافی در بین مردم گسترش پیدا می‌کند و افراد جامعه به فرقه‌های منحرف روی می‌آورند. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۶؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۹۳؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۱.

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^۱ و از فتنه‌ای که
تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بترسید و بدانید
که خدا سخت کیفر است.

مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد:

«به همین جهت باید مقصود از فتنه، هر چند
مختص به بعضی از مؤمنین است، فتنه‌ای باشد
که تمامی افراد امت بایستی در صدد دفع آن برآیند
و با امر به معروف و نهی از منکر که خدا برایشان
واجب کرده، از شعله‌ور شدن آتش آن جلوگیری
به عمل آورند. و بنابراین، برگشت معنای آیه به
تحدیر تمامی مسلمانان از سهل‌انگاری در امر
اختلافات داخلی خواهد بود؛ چون این گونه
اختلافات، آنان را به تفرقه و اختلاف کلمه، تهدید
نموده و باعث می‌شود که وحدت مسلمین به
تشتت و چند دستگی مبدل شود و معلوم است
که در این صورت، هر دسته که غالب شود، زمام را
به دست می‌گیرد و نیز معلوم است که این غلبه،
غلبه‌ی فساد است؛ نه غلبه‌ی کلمه‌ی حق و
دین حنیف که خداوند تمامی مسلمانان را در آن

۱. انفال، آیه‌ی ۲۵.

شريك کرده.

پس گویا این‌که فتنه مختص به يك دسته است، یعنی مختص به ستمکاران و لیکن اثر سوء آن، دامن‌گیر همه شده و در اثر اختلاف، همه دچار ذلت و مسکنت و هربلا و تلخ‌کامی دیگری می‌شوند و همه در پیشگاه خدای تعالی، مسئول می‌گردند.^۱

عوامل مؤثر در پیدایش فرقه‌های انحرافی

عوامل متعددی در پیدایش فرقه‌های انحرافی تأثیر دارند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. عدم شناخت و ناآگاهی مردم از آیات و روایات.
۲. ناآگاهی نسبت به سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام.
۳. عدم بصیرت نسبت به معارف الهی و احکام دینی.
۴. عدم شناخت معیارهای حق و باطل.
۵. ایجاد فتنه و اختلاف در بین آحاد جامعه توسط فرصت طلب‌ها.

۱ المیزان، ج ۹، ص ۵۱.

۶. عدم تقویت روحیه مسئولیت پذیری در افراد جامعه.

در کتاب احتجاج طبرسی آمده است:

هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بصره را فتح کرد، مردم اطراف آن حضرت را گرفتند و در میان آنها «حسن بصری» بود که الواحی با خود آورده بود که هر سخنی را که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرمود، فوری یادداشت می کرد. امام با صدای بلند او را در میان جمعیت مخاطب قرار داده، فرمود: چه می کنی؟ عرض کرد: آثار و سخنان شما را می نویسم؛ تا برای آیندگان بازگو کنم. امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

...أَمَّا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيًّا وَهَذَا سَامِرِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقُولُ لَا مِسَاسَ وَلَكِنَّهُ يَقُولُ لَا قِتَالَ؛^۱ ... بدانید هر قوم و جمعیتی سامری ای دارد و این مرد (حسن بصری) سامری این امت است! تنها تفاوتش با سامری زمان موسی (علیه السلام)، این است که هرکس به سامری نزدیک می شد، می گفت: «لامساس» (هیچ کس با من تماس نگیرد)؛ ولی

۱. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۴۲.

این به مردم می‌گوید: «لا قتال» (یعنی نباید جنگ کرد؛ حتی با منحرفان) که اشاره به تبلیغاتی است که حسن بصری بر ضد جنگ جمل داشت.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرمود:

... وَمَا أَحْدَثَتْ بِدْعَةٍ إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةٌ فَاتَّقُوا الْبِدْعَ

وَالزَّمُوا الْمُهَيِّجَ إِنَّ عَوَازِمَ الْأُمُورِ أَفْضَلُهَا وَإِنْ [مُحَدَّثَاتِهَا]

مُحَدَّثَاتِهَا شَرَّارُهَا؛^۲ ... هیچ بدعتی در دین ایجاد

نمی‌شود، مگر آن‌که سنتی در دین ترك گردد.

پس از بدعت‌ها پرهیزید و با راه راست و جاده‌ی

آشکار حق باشید. نیکوترین کارها سنتی است

که سالیانی بر آن گذشته و درستی آن ثابت شده

باشد و بدترین کارها، آن است که تازه پیدا شده و

آینده‌ی آن روشن نیست.

اگر افراد نسبت به اجرای دستورهای الهی سست

شوند و سنت‌های دینی را ترك کنند و بی‌توجهی به

احکام دین گسترش یابد، بدعت‌ها شیوع پیدا می‌کند.

برای مقابله با شیوع خرافه و اندیشه‌های انحرافی باید

به نکات زیر توجه شود:

۱. نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۹۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۵، ص ۲۰۲.

- الف. بررسی ریشه‌های خرافه و انحراف.
 ب. از بین بردن زمینه‌های خرافه و انحراف.
 ج. مبارزه با جهل و ناآگاهی مردم.
 د. گسترش فرهنگ مطالعه و بالا بردن سطح آگاهی دینی.
 هـ. برخورد قانونی با منحرفان و مفسدان.

۵. شرکت در گناه دیگران

اگر افراد جامعه به گناه و منکر روی آورند و دیگران مانع آنها نشوند و بای اعتنایی از آن بگذرند، این بی‌توجهی در واقع، تأیید کارهای آنان است و در حقیقت نوعی توافق با گناه کاران محسوب می‌شود.

در تفسیر نمونه آمده است:

پس نیکان جامعه وظیفه دارند که در برابر گناهکاران سکوت نکنند و اگر سکوت اختیار کنند، در سرنوشت آنها نزد خداوند، سهم و شریک خواهند بود.^۱

در قرآن کریم آمده است:

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ
 اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۱.

يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنَّ اللَّهَ
 جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا؛ و
 البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که
 هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند
 قرار می‌گیرد، با آنان منشینید، تا به سخنی غیر از
 آن درآیند؛ زیرا در این صورت، شما هم مثل آنان
 خواهید بود. به درستی که خداوند، منافقان و
 کافران را در دوزخ گرد خواهد آورد.

در تفسیر نمونه آمده است:

از این آیه شریفه چند نکته‌ی زیر استفاده می‌شود:
 الف. شرکت در جلسات گناه، به منزله شرکت
 در گناه است؛ اگر چه شرکت‌کننده ساکت باشد؛ زیرا
 این‌گونه سکوت‌ها، يك نوع رضایت و امضای عملی
 است.

ب. کسانی که با سکوت خود و شرکت در این‌گونه
 جلسات، عملاً گناهکاران را تشویق می‌کنند، مجازاتی
 همانند مرتکبین گناه دارند.^۲

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

۱. نساء، آیه‌ی ۱۴۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ
 أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ وَمَنْ أَمَرَ بِسُوءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ
 بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ؛ کسی که به معروفی امر کند یا از
 منکر نهی کند یا بر کار خوبی راهنمایی کند یا به
 آن اشاره کند، شریک در آن نیکی است و کسی که
 به بدی امر کند یا به آن راهنمایی کند یا به آن
 اشاره کند، در آن بدی شریک است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

... أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالسُّخْطُ
 وَإِنَّمَا عَقْرَ نَاقَةِ ثُمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ
 لَمَّا عَمَّوْهُ بِالرِّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ «فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا
 نَادِمِينَ»^۱...^۲...^۳ ای مردم! همه افراد جامعه در
 خشنودی و خشم، شریک می باشند؛ چنان که
 شتر ماده ثمود را یک نفر دست و پا برید؛ اما عذاب
 آن، تمام قوم ثمود را گرفت؛ زیرا همگی آن را
 پسندیدند. خداوند سبحان می فرماید: ماده شتر
 را پی کردند و سرانجام، پشیمان شدند...

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۴.

۲. شعرا، آیه ی ۱۵۷.

۳. نهج البلاغه، خطبة ۲۰۱، ص ۳۱۹.

همچنین آن حضرت فرمود:

الرَّاضِي بِفِعْلٍ قَوْمٌ كَالَّذَاخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ
فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَإِثْمُ الرِّضَا [الرِّضَا] بِهِ؛^۱
آن کس که از کار گروهی خشنود باشد، چونان
کسی است که همراه آنان بوده است و هرکس که
به باطلی روی آورد، دو گناه بر عهده او باشد؛ گناه
کردار باطل و گناه خشنودی به کار باطل.

پس سکوت در برابر گناه و فساد شرکت در گناه
دیگران محسوب می‌شود و خشم الهی را برمی‌انگیزد.
امام صادق (ع) می‌فرماید:

مَنْ لَهُ جَارٌ وَيَعْمَلُ بِالْمَعَاصِي فَلَمْ يَنْهَهُ فَهُوَ شَرِيكُهُ؛^۲
هرکس همسایه‌ای دارد که اهل معصیت است و او
را نهی نمی‌کند، در گناه او شریک است.

اساساً مسئولیت‌گریزی و بی‌اعتنایی نسبت به
فساد از دیدگاه قرآن و روایات، مذموم و ناپسند است.
پس افرادی که نسبت به مفاسد، بی‌توجه هستند و یا
از انجام آن خشنود می‌باشند، مانند افرادی هستند که

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴، ص ۴۹۹؛ منتخب میزان الحکمه، ج ۲،
ص ۶۷۸-۶۸۰.

۲. دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ص ۱۸۳.

گناه را انجام داده اند.

۶. دچار شدن به لعن و نفرین

اگر افراد در جامعه، نسبت به مفسد بی اعتنا باشند، گرفتار لعن و نفرین خداوند، انبیا و اولیا می شوند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»^۱ از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده، [از فرمان خدا] تجاوز می کردند.

در آیه ی دیگری آمده است:

«كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»^۲ [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند، یکدیگر را باز نمی داشتند. راستی چه بد بود آن چه می کردند.

در معنای لعن چنین آمده است:

۱ مائده، آیه ی ۷۸.

۲ مائده، آیه ی ۷۹.

«وَاللَّعْنَةُ: الطَّرْدُ مِنَ الرَّحْمَةِ، أَبْعَدُهُمْ وَطَرَدَهُمْ مِنَ الرَّحْمَةِ»؛ لعن به معنای طرد و دوری از رحمت وسیع پروردگار است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

حضرت داوود علیه السلام، اهل [ایله] را به واسطه گناهی که در روز شنبه مرتکب شده بودند، لعن کرد. این گناه در زمان وی روی داد. او به درگاه خدا عرض کرد: خدایا! لباس لعنت بر آنها بپوشان و خدا آنها را به شکل بوزینگان درآورد و این، به خاطر معصیت و تجاوز ایشان است؛ زیرا آنها یکدیگر را نهی نمی‌کردند و کارهای زشت را بدون توجه به منع خداوند، مرتکب می‌شدند.

ابن عباس می‌گوید:

بنی اسرائیل سه فرقه بودند، فرقه‌ای که در روز شنبه مرتکب معصیت شدند و فرقه‌ای که آنها را از این کار نهی می‌کردند؛ ولی از معاشرت با آنها خودداری نکردند و فرقه‌ای که آنها را نهی کردند و از آنها جدا شدند. دو فرقه اول، ملعون شمرده شدند.

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۰۹.

به همین منظور، پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

امربه معروف و نهی ازمنکر کنید؛ دست نادانان را بگیرید و آنها را به راه حق بیاورید و گرنه، خداوند دل های شما را به هم مربوط می سازد و همه شما را لعنت می کند.^۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

... فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقُرْنَ الْمَاضِي [الْقُرُونِ الْمَاضِيَّةَ] بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِيَتْرَكَهُمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِيَرْكُوبَ الْمُعَاصِي وَالْخُلَمَاءَ لِيَتْرَكَ التَّنَاهِي...؛^۲ ... به درستی که خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دورن ساخت، مگر برای ترك امر به معروف و نهی ازمنکر. پس خداوند، بی خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترك بازداشتن دیگران از گناه، لعنت کرد....

۷. عذاب و عقوبت الهی

یکی دیگر از پیامدهای ناگوار مسئولیت گریزی،

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۵۸۳۵۷.

۲. نهج البلاغه، خطبة ۱۹۲، ص ۲۹۹.

عذاب و عقوبت الهی است. سنت الهی این چنین است که اگر جامعه‌ای به فساد و گناه آلوده شود و افراد نسبت به گناه کاران بی‌اعتنا باشند، قهر الهی این جامعه را در بر می‌گیرد و افراد خوب و بد، همه در عذاب الهی گرفتار می‌شوند.

خداوند متعال می‌فرماید:

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛^۱ و از فتنه‌ای که
تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بترسید و بدانید
که خدا سخت‌کیفر است.

آیه الله مکارم در این باره می‌نویسد:

در حقیقت، خاصیت حوادث اجتماعی چنین است. هنگامی که جامعه در ادای رسالت خود کوتاهی کند و بر اثر آن، قانون شکنی‌ها و هرج و مرج‌ها و ناامنی‌ها و مانند آن به بار آید، نیکان و بدان در آتش آن می‌سوزند و این، خطاری است که خداوند در این آیه به همه جوامع اسلامی می‌کند و مفهوم آن این است که افراد جامعه نه تنها موظفند وظایف خود را انجام دهند،

۱. انفال، آیه‌ی ۲۵.

بلکه باید دیگران را هم به انجام وظیفه وادارند؛ زیرا اختلاف و پراکندگی و ناهماهنگی در مسائل اجتماعی، موجب شکست برنامه‌ها خواهد شد و دود آن در چشم همه می‌رود. من نمی‌توانم بگویم چون وظیفه خود را انجام داده‌ام، از آثار شوم وظیفه‌شناسی‌های دیگران برکنار خواهم ماند؛ چه این‌که آثار مسائل اجتماعی، فردی و شخصی نیست.^۱

همچنین افراد مسئولیت‌گریز در قیامت مورد بازخواست الهی قرار خواهند گرفت.
خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:
وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ^۲ و بازداشتشان نمایم که آنها مسئولند.

آری، آنها باید متوقف گردند و به سؤالات مختلف پاسخ گویند.

اما از آنها پیرامون چه چیز سؤال می‌شود؟
بعضی گفته‌اند: از بدعت‌هایی که گذارده‌اند.
بعضی دیگر گفته‌اند: از اعمال زشت و خطاهایشان.

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۱.

۲. صافات، آیه ۲۴.

بعضی افزوده‌اند: از توحید و لا اله الا الله.

بعضی گفته‌اند: از نعمت‌ها؛ از جوانی، تندرستی، عمر، مال و مانند اینها و در روایت معروفی که از طرق اهل سنت و شیعه نقل شده، آمده است که از ولایت حضرت علی علیه السلام سؤال می‌شود؛ البته این تفاسیر با هم منافاتی ندارد؛ چرا که در آن روز از همه چیز سؤال می‌شود؛ از عقائد، از توحید و ولایت، از گفتار و کردار و از نعمت‌ها و مواهبی که خدا در اختیار انسان گذارده است.^۱

در مجمع البیان آمده است:

انس بن مالک از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که در شب معراج بر مردمی گذشتم که لبانشان را با آلاتی آتشین می‌بریدند. من از جبرئیل پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ او گفت: اینها خطبا و گویندگان و واعظانی هستند که خود به آن چه می‌گفتند، عمل نمی‌کردند.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

... لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُعَمَّنَكُم

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۵ و ۳۶.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱۵.

عَذَابُ اللَّهِ...!... امر به معروف و نهی از منکر کنید
وگرنه، عذاب خدا شامل همه شما خواهد شد....

در حدیث دیگری آمده است:

خداوند در زمانی قبل از شما به جبرئیل وحی نمود و
او را مأموریت داد شهری را که دارای کفار و فجار بودند،
به زمین فرو برد! جبرئیل جهت امتثال امر الهی به آن دیار
رهسپار شد و پس از آن عرضه داشت: پروردگارا! همه
آنها را به زمین فرو می برم؛ به جز فلان فرد زاهد را. سپس
خداوند عزوجل فرمود: زاهد را قبل از سایر کفار و فجار
به زمین فرو ببر. جبرئیل از پروردگار پرسید: برای چه او
را به زمین فرو ببرم؛ در حالی که او زاهد و عابد است؟
خداوند فرمود: من او را توانایی و قدرت عطا کردم؛ ولی
او امر به معروف و نهی از منکر نمی کند و پیوسته بر محبت
و علاقه به آنها زیاده روی می کرد؛ در حالی که غضب و
خشم من نسبت به آنان زیاد بود....^۲

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۵؛ منتخب میزان الحکمه، ج ۲،
ص ۶۷۸.

۲. «لَقَدْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ وَأَمَرَهُ أَنْ يَحْصِفَ بِلَدٍ يَشْتَمِلُ عَلَى الْكُفَّارِ
وَالْفَجَّارِ فَقَالَ جِبْرِئِيلُ يَا رَبِّ أَحْصِفْ بِهِمُ إِلَّا بَقْلَانِ الرَّاهِدِ...» (وسائل
الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِذَنْبِ الْخَاصَّةِ إِذَا عَمِلَتْ
الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ سِرّاً مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْلَمَ الْعَامَّةُ فَإِذَا عَمِلَتْ
الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ جَهَاراً فَلَمْ تُغَيِّرْ ذَلِكَ الْعَامَّةُ اسْتَوْجَبَ
الْفَرِيقَانِ الْعُقُوبَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛^۱ به درستی که
خداوند، عامه مردم را به جهت گناه عده ای
خاص، عذاب نمی کند؛ در صورتی که آن عده، گناه
را مخفیانه و بدون اطلاع عامه مردم انجام دهند؛
اما اگر افراد، اعمال زشت را آشکارا انجام دهند و
اکثریت مردم به آنها اعتراض نکنند، هم آن افراد
گناهکار و هم اکثریت ساکت، مستحق عقوبت
الهی می گردند.

بنابراین سکوت در برابر گناه دیگران، مورد مذمت
قرار گرفته است و افراد بی تفاوت، مشمول عذاب الهی
قرار خواهند گرفت.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

... وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ تَرُكُ إِغَاثَةِ الْمُتْلُهُوفِ

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۵ و ۱۳۶، ح ۲۱۱۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۸.

وَتَزَكُّ مُعَاوَنَةَ الْمَظْلُومِ وَتَضِييعُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ
عَنِ الْمُنْكَرِ...^۱... گناهانی که سبب فرود آمدن بلا
بر مردم می شود، عبارتند از: به فریاد ستم دیده و
دل سوخته نرسیدن، به یاری مظلوم نشتافتن و
پایمال ساختن امر به معروف و نهی از منکر....

امام باقر علیه السلام می فرماید:

... هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ
بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفَجَارِ وَالصِّغَارُ فِي دَارِ
الْكِبَارِ...^۲... در آن زمان است که غضب خداوند
بلندمرتبه بر آنها فرود می آید که عقاب الهی همه را
فرا می گیرد؛ به صورتی که نیکان در خانه بدکاران و
کودکان در خانه بزرگان، هلاک می شوند....

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا أَقْرَقَوْمُ بِالْمُنْكَرَيْنِ أَظْهَرِهِمْ لَا يُغَيِّرُونَهُ إِلَّا أَوْشَكَ
أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْ عِنْدِهِ؛^۳ مردمی که نسبت
به منکرات رایج در بینشان واکنشی از خود نشان
نداده، در صدد تغییر آن برنیایند، عذاب فراگیر

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۸۲.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۶.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۸.

پروردگار، گریبان‌گیرانان خواهد شد.

همچنین در روایتی در تفسیر آیه شریفه فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ...^۱ آمده است: سه گروه بودند؛ گروهی که فرمانبر بودند و امر بدان هم می‌کردند و رهایی یافتند و گروهی که خود فرمانبر بودند؛ ولی امر به معروف نمی‌کردند که اینها به شکل مورچه درآمدند و گروهی که نه خود فرمانبر بودند و نه امر به معروف می‌کردند که اینها نابود شدند.^۲

امام رضا علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده:

إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمْرَبُ الْمَعْرُوفِ وَالْتَمَّهِی عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛^۳ زمانی که امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذارند [و آن را ترك گویند] باید بدانند که به نبرد با خدا برخاسته‌اند [و او را در برابر خود قرار داده‌اند؛ پس آماده نتایج هلاکت بار آن باشند].

بنابراین، اگر نسبت به گناه بی‌توجه باشیم، زمینه‌های

۱. اعراف، آیه ۱۶۵.

۲. کلینی، بهشت کافی، ترجمه‌ی روضه کافی، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۱۸؛ مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۴۰۶.

هلاکت را فراهم کرده، دچار عقوبت الهی می شویم.

۸. گسترش مفاسد اجتماعی

مسئولیت‌گریزی، عامل مهم و اصلی در ایجاد زمینه گناه و گسترش آن می باشد.

از آن جا که چگونگی عملکرد افراد جامعه نشان‌گر اخلاق عمومی آن جامعه می باشد، در صورتی که افراد نسبت به گناه و فساد بی اعتنا باشند، نظام اخلاقی آن جامعه دچار انحطاط و ضعف شده، افراد به گمراهی و تباهی کشیده می شوند.

در چنین جامعه‌ای، معروف به منکر تبدیل خواهد شد و در نتیجه این جامعه از هدایت و رستگاری محروم می شود و در گمراهی و تباهی فرو می رود.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ
ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛^۱ کسانی که دوست دارند
زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع
پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت، عذابی

۱. نور، آیه ۱۹.

دردناک خواهد بود و خدا [ست که] می‌داند و شما نمی‌دانید.

آیه الله مکارم در این باره می‌نویسد:

از آن جا که انسان، يك موجود اجتماعی است، جامعه‌ی بزرگی که در آن زندگی می‌کند، از يك نظر همچون خانه‌ی او است و حریم آن همچون حریم خانه‌ی او محسوب می‌شود؛ پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی اش.

طبق همین اصل، در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند، شدیداً مبارزه شده است.

اصولاً گناه همانند آتش است؛ هنگامی که در نقطه‌ای از جامعه این آتش روشن شود، باید سعی و تلاش کرد که آتش خاموش یا حد اقل محاصره گردد؛ اما اگر به آتش دامن زنیم و آن را از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر ببریم، حریق، همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر بر کنترل آن نخواهد بود.

از این گذشته، عظمت گناه در نظر عامه‌ی مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگی‌ها خود سد بزرگی در برابر فساد است. اشاعه فحشا و نشر گناه و تجاهر به فسق، این سد را می‌شکند؛ گناه را کوچک می‌کند و آلودگی به

آن را ساده می نماید.

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می خوانیم:

مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا...؛ کسی که کار
زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن را در
آغاز انجام داده...^۲

در تفسیر نور آمده است:

اشاعه فحشا و دعوت به منکرات و نهی از خوبی ها،
نشانه نفاق است و در فرهنگ منافقان، خیرسانی وجود
ندارد.^۳

۹. برآورده نشدن دعا

بابی اعتنائی افراد نسبت به انجام خوبی ها و ترك
گناهان، رحمت خداوند از آنها دور می شود و دعاهايشان
مستجاب نخواهد شد.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلَنَّ
عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ

۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۰۵ و ۴۰۶.

۳. تفسیر نور، ج ۵، ص ۹۹.

هَلُم؛^۱ امر به معروف کنید و نهی از منکر نمایید و در صورتی که آن را ترك کنید، اشرار بر شما مسلط شده، افراد نیکوکار شما دعا می‌کنند؛ ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود.

۱۰. نفوذ و سلطه بیگانگان

اگر افراد جامعه نسبت به مفاسد، بی‌اعتنا باشند، فساد در جامعه فراگیر و پایه‌های نظام اجتماعی سست می‌شود و در این صورت، بیگانگان جرئت دخالت پیدا کرده، به جامعه طمع می‌ورزند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَمْ تَتَّخِذُوا عَنْ نَصْرِ الْحَقِّ وَلَمْ تَهْتَبُوا عَنْ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ لَمْ يَظْمَعْ فِيكُمْ مَنْ لَيْسَ مِثْلَكُمْ وَلَمْ يَقُومَنَّ قَوِيٌّ عَلَيْكُمْ لَكِنَّكُمْ تَهْتَبُونَ مَتَاهَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَعَمْرِي لَيُضَعَفَنَّ لَكُمْ التَّيَّةُ مِنْ بَعْدِي أَضْعَافًا بِمَا خَلَفْتُمُ الْحَقَّ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ...؛^۲ ای مردم! اگر دریاری حق کوتاهی نمی‌کردید و دراز بین بردن باطل

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۱۸؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۱.

۲. نهج البلاغه، خطبة ۱۶۶، ص ۲۴۱.

سستی نداشتید، دیگرانی که مثل شما نیستند، بر شما طمع نمی کردند و بر تسلط آنها افزوده نمی شد؛ مانند سرگردانی بنی اسرائیل. به جان خودم سوگند! پس از من، این سرگردانی شما چندین برابر خواهد شد؛ زیرا حق را رها کردید...

۱۱. زوال تمدن ها و سقوط ملت ها

یکی از مهم ترین عوامل سقوط و انحطاط تمدن ها و ملت ها، بی تفاوتی نسبت به گسترش مفسد در سطوح مختلف جامعه می باشد.

در قرآن کریم آمده است:

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ؛ آیا در زمین گردش نمی کنند؛ تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها [زیسته] اند، چگونه بوده است؟ آنها از ایشان نیرومندتر [بوده اند] و آثار [پایدارتری] در روی زمین [از خود باقی گذاشتند] و باین همه، خدا

آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر خدا
پشتیبانی نداشتند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

... وَاحْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالْأُمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثَلَاتِ بِسُوءِ
الْأَفْعَالِ وَذَمِيمِ الْأَعْمَالِ فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَحْوَاهُمْ
وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ...؛^۱ ... از کیفرهایی که
بر اثر کردار بد و کارهای ناپسندبرامت‌های پیشین
فرود آمد، خود را حفظ کنید، و حالات گذشتگان
را در خوبی‌ها و سختی‌ها به یاد آورید، و بترسید که
همانند آنها باشید....

آن حضرت در نامه‌ای دیگر می‌فرماید:

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ
الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ وَأَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ؛^۲ پس از یاد
خدا و درود، همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت
رسیدند؛ بدان جهت که حق مردم را نپرداختند؛
پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند و مردم را
به راه باطل بردند و آنان، اطاعت کردند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۹۶.

۲. همان، نامه ۷۹، ص ۴۶۶.

«پس گناه، عامل قهر الهی است و زوال تمدن ها و سقوط ملت ها، کیفر گناه و کفر آنان است»^۱.

۱۲. سلب آرامش روحی و روانی

ترک امر به معروف و نهی از منکر، موجب گسترش فساد و در نتیجه اضطراب در جامعه می شود. در تفسیر نمونه در این باره آمده است:

به طور کلی، آرامش و دلهره، نقش بسیار مهمی در سلامت و بیماری فرد و جامعه و سعادت و بدبختی انسان ها دارد و چیزی نیست که بتوان از آن به آسانی گذشت.^۲

اضطراب و نگرانی، یکی از بزرگ ترین بلاهای زندگی انسان ها بوده و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً محسوس است.^۳

با اجرای دستورها و احکام الهی، انسان به آرامش روحی می رسد. دعا، توکل و توسل، مهم ترین از عوامل تقویت روحی و آرامش روان هستند. و در صورت بی تفاوتی نسبت به فراگیری فساد در جامعه و عدم

۱. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

مقابله با آن، این آرامش سلب شده، افراد دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند.

در قرآن کریم آمده است:

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛^۱ کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

در تفسیر نور، نکات زیر از این آیه استفاده شده است:

یاد خدا تنها به ذکر زبانی نیست؛ اگرچه یکی از مصادیق روشن یاد خداست؛ زیرا آن چه مهم است، یاد خدا بودن در تمام حالات خصوصاً در وقت گناه است. یاد خداوند برکت‌های بسیار دارد؛ از جمله:

الف. یاد نعمت‌های او، عامل شکر اوست.

ب. یاد قدرت او، سبب توکل بر اوست.

ج. یاد الطاف او، مایه محبت اوست.

د. یاد قهر و خشم او، عامل خوف از اوست.

ه. یاد عظمت و بزرگی او، سبب خشیت در مقابل

اوست.

۱. رعد، آیه ۲۸.

و. یاد علم او به پنهان و آشکار، مایه حیا و پاک دامن
ماست.

ز. یاد عفو و کرم او، مایه امید و توبه است.

ح. یاد عدل او، عامل تقوا و پرهیزگاری است.^۱
در آیه ی دیگری آمده است:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^۲
آگاه باشید که بر دوستان خدا، نه بیمی است و نه
آنان اندوهگین می شوند.

از این آیه نیز نکات زیر استفاده شده است:
کسی که خوف الهی داشته باشد، خوفی دیگر
نخواهد داشت.

اولیای خدا، آینده ای روشن و بدون بیم و اندوه دارند.
ایمان و تقوا، خصلت ریشه دار اولیای خداست.
ایمان و تقوای دائمی، هم سبب رفع نگرانی است و
هم انسان را از اولیای خدا قرار می دهد.^۳

۱. تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۲۹.

۲. یونس، آیه ۶۲.

۳. تفسیر نور، ج ۵، ص ۲۳۵.

فصل سوم

راهکارهای تقویت روحیه مسئولیت پذیری

آفرینش انسان براساس نظام تکوین و تشریع و برپایه رشد و تعالی اخلاقی و معنوی، طراحی شده، تا به مقامی خلیفه الهی برسد و بهشت موعود، ثمره مجاهدات او شود. از این رو، خداوند متعال قوانین و احکام را توسط پیامبران الهی برای هدایت و راهنمایی انسان ها فرستاد. این قوانین و احکام، جنبه فردی و اجتماعی دارند و نشان دهنده این هستند که برنامه ریزی مکتب اسلام، تنها برای خودسازی فردی نیست؛ بلکه صلاح و اصلاح

جامعه را هم در نظر دارد.

دشمنان اسلام و نفس سرکش آدمی در صددند با عدم رعایت ضوابط و دستورهای الهی، نفوس بشری را به گناه و فساد بکشند و در نتیجه، جامعه و افراد آن را در مسیر ناصواب و ضلالت قرار دهند و بایبی تفاوتی و مسئولیت‌گریزی، گناه و بی‌بندوباری و تخلف را در جامعه افزایش دهند. در این صورت، امر به معروف و نهی از منکر که نوعی نظارت عمومی و همگانی در جامعه است، می‌تواند عاملی مهم و بازدارنده از انحراف و گناه باشد.

به همین منظور، توجه به جایگاه، عظمت و فضیلت روحیه مسئولیت‌پذیری دارای اهمیت است و در صورت آگاهی از برکت‌های این امر مهم و شناخت راهکارهای عملی برای تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، می‌توان به دستورهای الهی عمل کرد و به جایگاه رفیع انسانیت نایل شد.

برخی عوامل مهم برای ایجاد روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری عبارتند از:

۱. توجه به جایگاه و اهمیت، مسئولیت پذیری

دین مقدس اسلام به روحیه مسئولیت پذیری، اهمیت فراوانی داده است و کوتاهی در این امر را مانع اجرای دستورهای الهی و مغایر فطرت بیدار، علاقه به مردم، سلامتی جامعه و غیرت دینی دانسته است. مسئولیت پذیری که شامل هدایت، دعوت، ارشاد و نصیحت می شود، همواره بزرگ ترین عامل پیشرفت و گسترش و توسعه ی آیین مقدس اسلام بوده است. احکام انسان ساز اسلام به تمامی ابعاد روحی انسان و جنبه های فردی و اجتماعی او توجه داشته است. بنابراین، برای رسیدن به سعادت و خوشبختی، اجرای احکام الهی، امری ضروری است. اسلام به احکام اجتماعی بیش از احکام فردی، اهمیت داده است؛ زیرا انسان، موجودی اجتماعی است و جامعه نقشی اساسی در هدایت یا گمراهی افراد دارد.

باید به این نکته توجه کرد که امور مهم در فرهنگ اسلامی، در فرهنگ غربی، نه تنها پسندیده نمی باشد، بلکه مورد نکوهش و سرزنش هم واقع می شوند. یکی

از این امور، نهی از منکر است که از نظر آنان، این امر دخالت در امور شخصی دیگران و کاری ناپسند است.

در جامعه امروز، اگر نسبت به مفاسد بی اعتنا باشیم، در واقع، مانند سرنشینان کشتی ای خواهیم بود که سوراخ کردن کشتی از جانب يك همسفر را می بینند؛ ولی با سکوتشان، باعث مرگ و نابودی همه می شوند؛ اما اگر خود را نسبت به عملکرد دیگران مسئول بدانیم و این را درک کنیم که چه بسا سکوت و بی توجهی ما، موجب خشم الهی می شود و نه تنها در این دنیا، بلکه در آخرت، دچار عقوبت الهی خواهیم شد، در این صورت نسبت به آن چه پیرامون ما می گذرد، بی تفاوت نمی مانیم.

نظارت همگانی و مسئولیت پذیری در جامعه اسلامی، از جمله قوانین ضروری و مهمی است که اجرای آن، موجب بقا و پایداری جامعه و فلاح و رستگاری افراد آن می شود.

«پس امر به معروف و نهی از منکر، واجب است و راه وجوب آنها عقل نیست؛ بلکه شنیدن است و امت نیز بر آن اجماع دارند»^۱.

۱. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۶۵.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

... وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ
الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ
الْحَيِّ...^۱ ... تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا،
در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون قطره ای
در دریای موج و پهنای است

اهمیت این فریضه تا جایی است که امام سجاد علیه السلام
در دعای زیبایی می فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا
وَلْيَلْتِنَا هَذِهِ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهَجْرَانِ
الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَانَبَةِ الْبِدْعِ وَالْأَمْرِ
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَحَيَاةِ الْإِسْلَامِ
وَأَنْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ
وَإِزْشَادِ الصَّالِّ وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ وَإِذْرَاكِ اللَّهْفِيفِ^۲؛
بارخدا یا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما
را در این روز و این شب و هر روز، به انجام دادن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۷۴، ص ۵۴۲، منتخب میزان الحکمه، ج ۲،
ص ۶۷۸.

۲. صحیفه سجاده، نیایش ۶، ص ۵۰.

کارهای نیک و دوری از کارهای ناپسند، توفیق ده و به شکر نعمت‌ها و پیروی از سنت‌ها و دوری از بدعت‌ها و امر به معروف و نهی از منکر و پاسداشت اسلام و نکوهش باطل و خوارداشت آن و نصرت حق و عزیزداشتن آن و راهنمایی گم‌گشتگان و یاری ناتوانان و فریادرسی ستم‌دیدگان، توفیق ده.

۲. توجه به آثار و برکت‌های مسئولیت‌پذیری

برخی آثار و برکت‌های مسئولیت‌پذیری عبارتند از:

الف. آثار فردی دنیوی

دنیای سالم، دنیایی است که در آن، زمینه رشد و تعالی به سوی کمال فراهم باشد. یکی از این زمینه‌ها، وجود محیطی پاک و دور از گناه است که زمینه را برای رشد انسان‌ها فراهم می‌سازد و اگر فرد از روحیه مسئولیت‌پذیری برخوردار باشد، برکت‌های دنیوی فراوانی نصیب او می‌شود.

الف- ۱. جلب رضایت خداوند

روشن است که فرد مسئولیت‌پذیر، مورد خشنودی و رضای خداوند متعال قرار می‌گیرد.

الف- ۲. نصرت الهی

افراد مؤمن با اجرای دستورهای الهی، رضایت خداوند را به دست می آورند و خدا نیز آنان را یاری خواهد کرد.

الف- ۳. نجات از غضب الهی در دنیا

در قرآن و روایات، افرادی که دیگران را از گناه بازداشته‌اند، نجات‌یافتگان از بلا و غضب الهی معرفی شده و افراد فاسد یا کسانی که بی اعتنا هستند و اعتراضی به گناه کاران ندارند، به غضب الهی، تهدید شده‌اند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ
عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا
كَانُوا يَفْسُقُونَ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا
لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾^۱ پس هنگامی که
آن‌چه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند،
کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند، نجات دادیم
و کسانی را که ستم کردند، به سزای نافرمانی شان،

۱. اعراف، آیه‌ی ۱۶۵ و ۱۶۶.

به عذابی شدید، گرفتار کردیم و چون از آن چه از آن نهی شده بودند، سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: بوزینگانی رانده شده باشید.

الف - ۴. سلامت و سودمندی در دنیا

افرادی که مسئولیت پذیرند و به آن چه امر و نهی می کنند، پای بند هستند و سعی در اجرای حدود الهی دارند، به سلامتی و سودمندی در دنیا نایل می شوند.

الف - ۵. اصلاح فردی

مسئولیت پذیری و بی توجه نبودن نسبت به مفاسد، علاوه بر تأثیر بر محیط و جامعه، تأثیر شایانی در اصلاح کردار و رفتار فردی دارد.

الف - ۶. برکت در عمر و روزی

افراد مسئولیت پذیر، مورد لطف پروردگار قرار می گیرند و رزق و روزی آنها افزون می شود و همین امر، موجب برکت در طول عمر آنان می شود.

ب. آثار فردی اخروی

منظور از آثار فردی اخروی، برخورداری از پاداش های الهی است و این پاداش، یا از جانب دعای مردم به فرد

می‌رسد و یا به علت انجام کارهای شایسته‌ی دیگران، نصیب او می‌شود و شخص در ثواب اعمال شایسته‌ی دیگران، شریک می‌شود.

ب- ۱. شرکت در ثواب دیگران

اگر کسی نسبت به مفاسد دیگران بی‌اعتنا نباشد، در ثواب عمل آنان سهیم خواهد شد؛ البته این امر، موجب کاستی در ثواب آن فرد نمی‌شود؛ بلکه به همان میزان که فرد عمل‌کننده ثواب می‌برد، او نیز ثواب خواهد برد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

...وَالدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ...؛ ... امرکننده به خیر [معروف] همانند انجام‌دهنده‌ی آن در ثواب است....

ب- ۲. نجات از عذاب الهی در آخرت

افرادی که نسبت به مفاسد بی‌اعتنا نیستند، در آخرت به پاداش الهی می‌رسند و از عذاب خداوند در امان خواهند ماند. پس اگر فردی گناهی انجام دهد و سزاوار عذاب پروردگار باشد، اما برای جلب رضایت خداوند، به دیگران تذکر دهد، این کار او موجب نجاتش خواهد شد.

۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۳۴.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا
مَسْئُولًا؛^۱ جاودانه هر چه بخواهند، در آن جا دارند.
پروردگار تو، مسئول [تحقق] این وعده است.

در این آیه، خداوند به افراد مؤمن و مسئولیت‌پذیر
نویسد بهشت می‌دهد. این چنین است که پروردگار،
مسئول است و به وعده‌های خود عمل کرده است و
نسبت به افراد مومن و متعهد، بی‌تفاوت نمی‌باشد و
پاداش نیکوکاران را خواهد داد.

ب- ۳. رستگاری

فرد مسئولیت‌پذیر، به فرمان‌های الهی عمل می‌کند و
از گناه و فساد، دوری می‌کند و همین امر، موجب رضای
خداوند شده، او را به فلاح و رستگاری می‌رساند.
در قرآن کریم آمده است:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ

۱. فرقان، آیه‌ی ۱۶.

الْمُفْلِحُونَ^۱؛ و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان، همان رستگارانند.

ج. آثار اجتماعی

مقصود از آثار اجتماعی مسئولیت پذیری، تأثیراتی است که این امر مهم بر جامعه می گذارد. روحیه مسئولیت پذیری، موجب تشویق نیکوکاران، کاهش بزهکاری و گناه، ایجاد امنیت اجتماعی و آگاه کردن افراد جاهل، می شود.

ج. ۱۰. بهترین امت شدن

بهترین مردم، افرادی هستند که در جامعه، احساس مسئولیت می کنند.

در قرآن کریم آمده است:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...^۲ شما بهترین امتی هستید که برای مردم، پدیدار شده اید؛ به کار پسندیده، فرمان می دهید و از کار

۱. آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲. آل عمران، آیه ۱۱۰.

ناپسند، بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید... .

ج. ۲. عزت مؤمنان و ذلت دشمنان

جامعه قدرتمند و با عزت، جامعه‌ای است که افراد آن دارای ایمانی قوی و عقایدی محکم باشند و این قدرت و عزت، تنها در سایه اجرای دستورهای الهی و جلوگیری از فساد و منکر، پدید می‌آید. پس با ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری و مبارزه با فساد و انحراف، مؤمنان، قدرتمند و دشمنان آنان ضعیف و ذلیل خواهند شد.

ج. ۳. اصلاح عموم مردم

افرادی که دارای روحیه مسئولیت‌پذیری، هستند نه تنها به رفع معایب خود می‌پردازند، بلکه درصدد اصلاح عموم مردم هستند. اگر افراد نسبت به مفاسد بی‌اعتنا نباشند، اعمال شایسته، رواج پیدا می‌کنند و گناهان، قبح خود را از دست نمی‌دهند. و در این صورت است که مردم تمایل به خوبی‌ها پیدا کرده، و از بدی‌ها دوری خواهند کرد و این امر بر زندگی دنیوی و اخروی افراد، تأثیر مطلوبی خواهد داشت.

ج. ۴. برپایی عدالت اجتماعی

دین مبین اسلام برپایه خداپرستی و عدالت خواهی، استوار است و پیامبر اکرم ﷺ بعد از دعوت به توحید، برای برپایی عدالت و زدودن مفسد در جامعه اقدام کرد. بنابراین، روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی در جامعه است و در سایه اجرای احکام الهی و نظارت همگانی، عدالت در جامعه حاکم می‌شود و مفسد از بین خواهند رفت.

ج. ۵. حفظ، اجرا و استواری احکام اسلامی

روحیه مسئولیت‌پذیری، ضامن حفظ، اجرا و استواری احکام اسلامی است. مردم مسئولیت‌پذیر که از هرگونه بی‌توجهی و سستی نسبت به مفسد دوری می‌کنند، می‌توانند ضامن اجرای قوانین و استواری احکام اسلامی باشند. و در صورتی که مردم از این روحیه برخوردار باشند، ارزش‌ها گسترش یافته، و قوانین و احکام الهی با پشتوانه مردمی، به اجرا در خواهند آمد. همچنین مسئولان جامعه نیز متأثر از مردم، موظف به اجرای قوانین و برپایی قسط و عدل در جامعه می‌شوند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقَامُ
الْحُدُودِ؛ قوام و استواری دین، به امر به معروف و
نهی از منکر و اجرای حدود الهی، وابسته است.

ج. ۶. برقراری امنیت اجتماعی

برای اجرای قوانین الهی، نیاز به ایجاد امنیت از جانب
حکومت است و مردم مسئولیت پذیر، ضامن اجرای
امنیت اجتماعی هستند. در سایه امنیت اجتماعی،
به اعتقادات و اندیشه‌های اسلامی، عمل خواهد
شد؛ فرهنگ اسلامی، گسترش خواهد یافت؛ اقتصاد
و کشاورزی، رونق خواهد گرفت و مرزهای حکومت
اسلامی در برابر دشمنان، در امان خواهند ماند.

بنابراین، در صورت تحقق امنیت اجتماعی، احکام
الهی، اجرا می‌شوند، و آن چه موجب سلب آرامش و
آسایش مردم می‌شود، از بین خواهد رفت.

ج. ۷. پایداری در برابر ستمکاران

در قرآن و روایات، به مبارزه با ظلم ظالمان و حمایت
از مظلومان، اهمیت بسیاری داده شده و سکوت و
بی‌اعتنایی در برابر ستمکاران، سرزنش شده است. در

۱. لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۰.

سایه اجرای دستورهای الهی، حقوق مظلومان، احیا خواهد شد و عدالت اجتماعی در جامعه برپا می شود.
امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

... أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دَعَاءٌ
إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ...^۱
... امر به معروف و نهی از منکر، فراخوانی به اسلام،
با برگرداندن مظالم [و حقوق مردم] و مخالفت با
ظالم [و ستمگر] است...

همچنین آن حضرت درباره ی یاری ستم دیدگان و
مبارزه با ستمکاران فرمود:

... كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا...^۲
دشمن ستم‌گرو یاور ستم‌دیده باشید....

د. آثار معنوی

آثار معنوی، پیامدهایی هستند که در اعتقادات
و باورهای افراد جامعه ی اسلامی، ظهور می یابند. با
اجرای احکام الهی، افراد در مسیر حق قرار گرفته، در برابر
یکدیگر، احساس مسئولیت می کنند و در این صورت

۱. تحف العقول، ص ۲۳۷.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۴۲۱.

است که آثار و برکت های معنوی، شامل همه ی مردم خواهد شد.

د- ۱. دعوت به اسلام

افرادی که به ارزش های اسلامی پای بندند، درواقع، به تعالیم و معارف اسلام، دعوت و عمل می کنند و پاداش این افراد نزد خداوند، حیات طیبه و رضایت الهی است. در قرآن کریم خطاب به مؤمنان چنین آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید! چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فرا خوانند که زندگی تان می بخشد، دعوتشان را اجابت کنید و بدانید که خداوند میان آدمی و قلبش، حایل است و همه در پیشگاه او گرد آورده می شوید.

د- ۲. افزایش ایمان و یقین

ایمان و یقین، دو رکن مهم در اجرای اوامر الهی هستند. افراد با ایمان، در گفتار و عمل، مسئولیت پذیرند؛

۱. انفال، آیه ی ۲۴.

زیرا احکام دینی را باور کرده اند و در عمل نیز اقدام به امر و نهی می کنند و همین امر، موجب افزایش ایمان و یقین فرد می شود.

د- ۳. تحقق راه و هدف انبیا و اولیای الهی

هدف انبیا و اولیای الهی، ساختن جامعه ای پاک و دور از آلودگی است. آنان همواره تلاش کرده اند که مفسد اجتماعی را از بین ببرند و محیطی پاک و زندگی ای سالم، برای مردم فراهم کنند.

روحیه مسئولیت پذیری، راه و روش انبیا و اولیای خداست و آمران و ناهیان، در ردیف آنان قرار دارند. امام حسین علیه السلام مهم ترین انگیزه قیام خود را امر و نهی الهی دانسته اند و فرمود:

... وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا
وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ
بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ [عَلَيْهِ السَّلَام] ...^۱
... من به جهت طغیان گری و ایجاد تفرقه بین
مسلمانان و فساد و ظلم، قیام نکردم؛ بلکه برای

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹ و ۳۳۰.

اصلاح در امت جد خود، قیام کردم و می خواهم
امربه معروف و نهی ازمنکر کنم و به سیره جد و
پدرم، علی بن ابی طالب علیه السلام عمل کنم ...

د- ۴. برپایی واجبات الهی

احکام و قوانین اسلام در سایه اجرای فرمان های
الهی، برپا خواهند شد. در جامعه ای که روحیه
مسئولیت پذیری نباشد و افراد نسبت به مفاسد،
بی اعتنا باشند، به واجبات الهی عمل نمی شود و از
اسلام، پوسته ای بدون محتوا باقی خواهد ماند.
امام حسین علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش چنین نقل
کرده است:

... أَنَهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَأُقِيِمَتْ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ
كُلُّهَا هَيِّنَهَا وَصَعَبُهَا...^۱ ... هرگاه امر به معروف
و نهی ازمنکر انجام و برپا داشته شوند، همه
واجب های الهی از ساده و دشوار، به پا داشته
می شوند....

د- ۵. جانشین خدا و رسول شدن

خداوند در قرآن تأکید فراوانی بر این امر مهم داشته

۱. تحف العقول، ص ۲۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۹.

است و پیامبران الهی نیز در جهت تحقق آن، تلاش فراوانی کرده‌اند. بنابراین، اگر فردی نسبت به انجام معروف و ترک منکر، بی تفاوت نباشد و به آن اهتمام ورزد، خلیفه خدا و رسول خواهد بود.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ؛ کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، خلیفه خدا در زمین و خلیفه رسول اوست.

د- ۶. در مسیر حق قرار داشتن

کسی که می‌خواهد در مسیر حق قرار گیرد و اعمال و رفتارش مورد رضایت خداوند باشد، سعی می‌کند نسبت به مفاسد، بی اعتنا نباشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

... يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ...^۱؛ کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، در باطل، داخل

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۴۷۷.

نمی‌شود و از حق، خارج نمی‌گردد....

د- ۷. تصحیح و حفظ اخلاق و فرهنگ جامعه

ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری، عامل مهمی در تصحیح و حفظ اخلاق و فرهنگ جامعه است.

در جامعه‌ای که تعالیم اسلامی به صورت صحیح اجرا نشوند، رفتارها، عادات‌ها و سنت‌های غلط، با عقاید اسلامی، آمیخته می‌شوند. برای تشخیص درستی و نادرستی این رفتارها، نیز قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)، دو معیار اصلی هستند که افراد باید به آنها رجوع کنند و در صورت ناسازگاری با این دو معیار، به تصحیح اخلاق و فرهنگ، اقدام نمایند.

بنابراین، برای حفظ اخلاق و فرهنگ جامعه، همه‌ی مردم باید مسئولیت‌پذیر باشند و بهترین و مؤثرترین راه، بی‌توجه نبودن در برابر مفاسد است.

ه. آثار اقتصادی

رشد و پیشرفت اقتصادی جامعه، مستلزم روحیه مسئولیت‌پذیری افراد است. اگر مردم نسبت به مفاسد اقتصادی، بی‌اعتنا نباشند، بازار و تجارت و کشاورزی، رونق می‌گیرد و مردم در فضایی سالم، امرار معاش

خواهند کرد و همین امر، موجب پیشرفت جامعه خواهد شد.

هـ. ۱. عمران و آبادانی و سازندگی

اسلام، دین جامع و کاملی است؛ زیرا به همان میزان که به حیات اخروی توجه دارد، به زندگی مادی و دنیوی بشر نیز توجه دارد. پیامبر ﷺ و اولیای الهی برای سازندگی و آبادانی جامعه، تلاش فراوانی داشته‌اند و مردم را به عمران و آبادی زمین، سفارش کرده‌اند و این امر مهم را در عمل، با احیای زمین‌های زراعی، کندن چاه، درختکاری و حتی بوسیدن دست کارگر، نشان داده‌اند. روحیه مسئولیت‌پذیری، موجب می‌شود که بی‌کاری که عامل فساد است، ریشه‌کن شود و جامعه از اسارت و وابستگی نجات یابد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... اِزْرَعُوا وَاغْرِسُوا وَاللّٰهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا اَحَلَّ وَلَا

اَطْيَبَ مِنْهُ...^۱... زراعت کنید و درخت غرس کنید.

به خدا سوگند! این کار، حلال‌ترین و پاکیزه‌ترین

کاری است که مردم انجام می‌دهند....

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۶۰.

هـ. ۲. حلال شدن درآمدها

در قوانین و احکام اسلام، تأکید فراوانی نسبت به کسب درآمد حلال شده است و اگر افراد نسبت به کسب حلال مسئولیت پذیر باشند، گرفتار فساد اقتصادی که زمینه ساز فساد اخلاقی است، نخواهند شد.

سلامت اقتصادی و کسب حلال، یکی از مهم ترین معروف هاست و موجب می شود مردم گرفتار اختلاس، ربا، کم فروشی و... نشوند.

رسول خاتم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ می فرماید:

الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ؛
عبادت، ده جزء است که نه جزء آن در طلب حلال
است.

هـ. ۳. پرداخت حقوق دیگران

در اسلام، حق الناس، جایگاه مهمی دارد و انسان مسئولیت پذیر، خود را در برابر دیگران مسئول دانسته، حقوق برادران دینی خود را ضایع نمی کند. اگر کسی نسبت به حق الناس بی اعتنا باشد، در دنیا و آخرت دچار عقوبت الهی خواهد شد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

... إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ... فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ... وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ...^۱
... همانا امر به معروف و نهی از منکر... واجب بزرگی است که همه واجب‌ات به واسطه آن برپا داشته می‌شود... و مظالم، [حقوق مردم] بازگردانده می‌شوند...

هـ. ۴. بهترین انفاق

امربه معروف، بزرگ‌ترین انفاق است. با ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری، افراد نسبت به یکدیگر بی‌اعتنا نبوده، با جمع‌آوری صدقات و کمک به مستمندان، در امور خیر مشارکت می‌کنند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَنْفَقَ النَّاسُ مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ مِنْ قَوْلِ الْحَيْرِ^۲؛ قسم به خدا! هیچ انفاقی بهتر از امر به معروف نیست.

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۱۹؛ مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۴۰۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱.
۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۳؛ المحاسن ج ۱، ص ۱۵.

هـ. ۵. گسترش فرهنگ کار و تلاش

اسلام نسبت به کار و تلاش، سفارش و تشویق کرده و افراد را از تنبلی و کسالت، نهی کرده است؛ زیرا مسئولیت‌پذیری و کار و تلاش، موجب سلامت جسمی و نشاط و امید روحی می‌شود و از این راه، اقتصاد جامعه، رونق می‌گیرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که برای اداره خانواده خود تلاش می‌کند [و خود را به زحمت و رنج می‌اندازد]، همانند مجاهد در راه خدا [دارای پاداش] است.

هـ. ۶. تجارت اسلامی

برای انجام تجارت اسلامی، افراد باید نسبت به احکام دین، آگاهی داشته باشند و راه‌های کسب درآمد و خرید و فروش اسلامی را بدانند. در این صورت است که دادوستد و کسب و کار، اسلامی شده، ربا، اختلاس و کم‌فروشی، ریشه‌کن می‌شود؛ بیکاری از بین می‌رود و افراد

۱. کافی، ج ۵، ص ۸۸، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۶۷؛ الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۰۸؛ ابن فهد حلی، عدة الداعی ونجاح الساعی، ص ۸۲.

از راه صحیح، به کسب درآمد می پردازند.
 امیرالمؤمنین (علیه السلام) افرادی را که می خواستند به
 دادوستد و تجارت اقدام کنند، به مطالعه و یادگیری
 احکام تجارت، توصیه می کرد؛ زیرا در صورت عدم
 آگاهی و بی تفاوتی نسبت به احکام دین، ممکن بود
 گرفتار ربا شوند.
 آن حضرت می فرمود:

مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ ارْتَضَمَ فِي الرَّبَا؛ کسی که بدون
 آگاهی [از احکام دین] به تجارت روی آورد، در ربا
 فرو می رود.

۳. راهکارهای عملی برای تقویت روحیه مسئولیت پذیری

اسلام که بهترین برنامه سعادت بخش را برای زندگی
 فردی و اجتماعی بشردارد، برای اجرای قوانین، سه عامل
 را پیش بینی کرده است که به تبیین آنها می پردازیم.
 الف. تقویت روحیه ایمان و تقوا.
 ب. اجرا و نظارت حکومت، مسئولان و عالمان.
 ج. نظارت عمومی و همگانی مردم.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۷، ص ۵۵۵؛ کافی، ج ۵، ص ۱۵۴؛ وسائل
 الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۸۲.

الف. تقویت روحیه ایمان و تقوا

یکی از مؤثرترین عوامل برای تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، ایمان و تقوای الهی است. ایمان و تقوا، دو عامل مهم در ایجاد انگیزه، برای انسان مؤمن در عمل به دستورهای الهی و موجب پرهیز افراد از گناه و خطای می‌باشند.

در کتاب انوار درخشان در این باره آمده است:

نیروی ایمان، سبب قیام به ادای وظایف و التزام به اعمال صالحه است؛ همچنان‌که ادای وظایف، سبب ثبات و استقامت ایمان خواهد بود و با به‌کار بردن دو نیروی ایمان و قیام به اعمال صالحه، شعار عبودیت در جوار رحمت، استقرار خواهد یافت.^۱

یکی از راه‌های تقویت ایمان، نماز و یاد خداوند است.

در تفسیر المیزان آمده است:

امر به نماز، از بهترین اعمال است؛ زیرا که انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد؛ البته ذکر این نکته لازم است که بازداری نماز از فحشا و منکر، به نحو اقتضاست؛ نه علت تامه که بگوییم هر کس نماز

۱. حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۸، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

خواند، دیگر نتواند گناه کند.^۱

خداوند در قرآن می فرماید:

... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ

اللَّهِ أَكْبَرُ...^۲ ... نماز، از کار زشت و ناپسند

بازمی دارد و قطعاً یاد خدا، بالاتر است ...

انس بن مالک جهنی از حضرت رسول ﷺ چنین

نقل کرد:

هرکس نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، پس

بیشتر از خداوند دور شده است.^۳

همچنین ابن مسعود از پیامبر اکرم ﷺ این گونه

روایت کرد:

کسی که مطیع نماز نباشد، نمازش کامل نیست و

اطاعت از نماز، همان دوری از فحشا و منکر است.^۴

امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به همام فرمود:

... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۳۳.

۲. عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۴۷.

۴. همان.

يُرْتَلُوْنَهَا تَرْتِيْلًا يُحْزَنُونَ بِهِ أَنْفُسُهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ...^۱... پرهیزگاران در شب، برپا ایستاده، مشغول نماز هستند؛ قرآن را جزء به جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند و با خواندن قرآن جان خود را محزون ساخته، داروی درد خود را می یابند....

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که دوست دارد بداند نمازش مورد قبول خداوند واقع شده یا خیر، بنگرد که تا چه اندازه نماز او را از بدی ها و گناهان دور داشته، پس به همان اندازه، قبول شده است.^۲

زمخشری در کشاف می نویسد:

چه بسا نمازگزارانی که گناه می کنند و حال آن که نمازشان آنان را از گناه باز نمی دارد؛ پس نمازی انسان را از فحشا باز می دارد که با خشوع قلبی و جسمی همراه باشد.^۳

ب. اجرا و نظارت حکومت، مسئولان و عالمان

مسئولیت پذیری، از وظایف مسئولان حکومت

۱. نهج البلاغه، خطبة ۱۹۳، ص ۳۰۴.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۴۸.

۳. کشاف، ج ۳، ص ۴۵۶.

اسلامی است؛ البته مسئولان باید توان اجرای قوانین را داشته باشند و از موضع قدرت، برخورد کنند. وظیفه حکومت اسلامی، ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد اخلاقی است؛ تا بتواند با بی تفاوتی و مسئولیت‌گریزی در جامعه مقابله کند. فخر رازی می‌نویسد:

خدای تعالی نیز زمانی به امر به معروف و نهی از منکر دستور داد که امرکننده به معروف، برای انجام این تکلیف، بر ظالمان و افراط‌کنندگان، توانا باشد و این توانایی به دست نمی‌آید؛ مگر با دوستی و محبت بین دین‌داران و حق‌مداران.^۱

در تفسیر نور نیز در این باره آمده است:

پس برای حفظ حدود الهی هم باید با دشمن خارجی جنگید و هم با مفاسد داخلی مبارزه کرد و رزمندگان [مجریان حکومت] برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی، بیشتر از دیگران مسئولند.^۲

بنابراین، مسئولان نظام حکومتی، نقش مهمی در از بین بردن مسئولیت‌گریزی در جامعه دارند و افرادی موفق

۱. مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۳۱۶.

۲. تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۵۲.

می شوند که در اجرای قوانین، ثابت قدم باشند. علاوه بر مسئولان، نقش عالمان نیز در جلوگیری از بی‌اعتنایی نسبت به مفاسد در اجتماع، بسیار مهم است.

در تفسیر نور درباره‌ی سکوت عالمان آمده است: سکوت و بی‌تفاوتی علما، زمینه‌ی ترویج فساد است و آنها باید قدرت داشته باشند؛ تا بتوانند علاوه بر موعظه و دعوت، جلو مفاسد را بگیرند. پس سکوت عالم، بدتر از گناه خلاف‌کار است و تظاهر به گناه، کثرت گناهکار، تنوع در گناه، هیچ‌یک دلیل بر سکوت علما نیست.^۱

بنابراین، حکومت، مسئولان و عالمان، باید برای مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، تلاش کنند و افراد نیز وظیفه دارند در انجام این امر مهم، سستی و کوتاهی نکنند. و نسبت به فساد جامعه، بی‌تفاوت نباشند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا؛^۲ خدا از مردم نادان، عهد

۱. همان، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۸، ص ۵۵۹.

نگرفت که بیاموزند؛ تا آن که از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند.

پس بازخواست و عقاب در تخلف از این وظیفه، متوجه افراد است؛ ولی پاداش و اجر آن، از آن کسی است که این وظیفه را انجام داده باشد و به همین جهت است که خداوند فرموده: **وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**^۱.

ج. نظارت عمومی و همگانی مردم

در اصل هشتم قانون اساسی آمده است:

در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است. شرایط، حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

افراد باید در جامعه اسلامی احساس وظیفه کنند و با حرف و عمل، خوبی‌ها را رواج دهند و مانع کارهای خلاف و منکر شوند و نسبت به مفاسد، بی‌توجه و مسئولیت‌گریز نباشند. نام این نظارت مردمی امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در امور

۱. آل عمران، آیه ۱۰۴.

اجتماعی، حضور مستقیم داشته باشند، فرهنگ دینی، گسترش پیدا می‌کند و در این صورت، مردم خود را در سرنوشت جامعه، سهیم می‌دانند و نسبت به مفاسد در جامعه، بی‌اعتنا نخواهند بود. بنابراین، ضامن اجرای تمامی مقررات، مردم هستند و نظارت عمومی، پشتوانه دولت در اجرای قوانین است.

گرچه گاهی تذکره گناهکاران را از گناه باز نمی‌دارد، ولی لذت گناه را در کام آنان، تلخ می‌کند. افراد باید برای تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، به نکات زیر توجه کنند:

ج. ۱۰. آشنایی با کارهای پسندیده و ناپسند

برای از بین بردن روحیه مسئولیت‌گریزی در جامعه، ابتدا باید بدانیم «آن چه را که نهی می‌کنیم، چیز قبیحی است و نیز آن چیز به وقوع پیوسته باشد و این که اگر امروز نهی کنیم، باعث افزایش منکر نخواهد شد و امروز نهی در فرد، تأثیر خواهد داشت»^۱.

در تفسیر نور آمده است: شیوه قرآن نیز آن است که امر به معروف را قبل از نهی از منکر می‌آورد؛ یعنی اگر

۱. کشاف، ج ۱، ص ۳۹۷.

درهای معروف باز شود، راه منکر بسته می شود.^۱
 بنابراین، آشنایی با معروف و منکر به منظور
 برنامه ریزی برای شناختن و شناساندن کارهای پسندیده
 و مبارزه با کارهای ناپسند، لازم است؛ تا زمینه عمل به
 احکام الهی فراهم شود.

ج. ۲۰. تبلیغ و ارشاد

در اسلام از مسئله دعوت به حق و تبلیغ، با تعبیراتی
 مانند: دعوت به خیر، تبلیغ، رسالت الهی، هدایت،
 ارشاد، دلالت، امر به معروف و نهی از منکر و مانند اینها
 یاد شده است.

قرآن کریم می فرماید:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا
 يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا؛^۲ کسانی
 که پیام های خدا را می رسانند و از او می ترسند و
 از هیچ کس جز او نمی ترسند، خدا برای حساب
 کردن اعمالشان کافی است.

در آیه ی دیگری آمده است:

۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. احزاب، آیه ی ۳۹

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ
ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ مردم را با
حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت بخوان و با
بهترین شیوه، با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگارتو
به کسانی که از راه او منحرف شده اند، آگاه تر است
و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.

در تفسیر نمونه در تفسیر و بیان این آیه آمده است:
الف. نخست می گوید: به وسیله حکمت، به سوی
راه پروردگارت دعوت کن (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ).
حکمت، به معنی علم و دانش و منطق و استدلال
است و در اصل، به معنی منع آمده و از آن جا که علم
و دانش و منطق و استدلال، مانع از فساد و انحراف
است، به آن حکمت گفته شده و به هر حال، نخستین
گام در دعوت به سوی حق، استفاده از منطق صحیح و
استدلالات حساب شده است و به تعبیر دیگر، دست
انداختن در درون فکر و اندیشه مردم و به حرکت درآوردن
آن و بیدار ساختن عقل های خفته، نخستین گام

محسوب می شود.

ب. به وسیله اندرزهای نیکو (وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ) و این، دومین گام در طریق دعوت به راه خداست؛ یعنی استفاده کردن از عواطف انسان ها؛ چراکه موعظه و اندرز، بیشتر جنبه عاطفی دارد که با تحریک آن، می توان توده های عظیم مردم را به طرف حق متوجه ساخت.

در حقیقت، حکمت از بعد عقلی وجود انسان، استفاده می کند و موعظه حسنه از بعد عاطفی و مقید ساختن موعظه به حسنه، شاید اشاره به آن است که اندرز در صورتی مؤثر می افتد که خالی از هرگونه خشونت، برتری جویی، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجاجت او و مانند آن باشد. چه بسیارند اندرزهایی که اثر معکوسی می گذارند؛ به خاطر آن که مثلاً در حضور دیگران و توأم با تحقیر انجام گرفته و یا از آن استشمام برتری جویی گوینده شده است. بنابراین، موعظه هنگامی اثر عمیق خود را می بخشد که حسنه باشد و به صورت زیبایی پیاده شود.

ج. با آنها (یعنی مخالفان) به طریقی که نیکوتر است، به مناظره پرداز (وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ).

این سومین گام، مخصوص کسانی است که ذهن

آنها قبلاً از مسائل نادرستی انباشته شده و باید از طریق مناظره، ذهنشان را خالی کرد؛ تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند.

بدیهی است مجادله و مناظره نیز هنگامی مؤثر می‌افتد که بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ باشد و حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و راستی، بر آن حکومت کند و از هرگونه توهین و تحقیر و خلاف‌گویی و استکبار، خالی باشد و خلاصه، تمام جنبه‌های انسانی آن حفظ شود و در پایان آیه نخستین اضافه می‌کند: پروردگار تواز هرکسی بهتر می‌داند چه کسانی از طریق او گمراه شده و چه کسانی هدایت یافته‌اند (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ).

اشاره به این که وظیفه شما، دعوت به راه حق است؛ از طرق سه‌گانه حساب شده فوق؛ اما چه کسانی سرانجام هدایت می‌شوند و چه کسانی در طریق ضلالت پافشاری خواهند کرد، آن را تنها خدا می‌داند.^۱

پیامبر اکرم ﷺ خطاب به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام ثواب هدایت يك نفر را بالاتر از هرچه که خورشید بر آن می‌تابد

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۵۵ - ۴۵۷.

اعلام کرد:

...لَا يُهْدِي اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرُكَ مِمَّا ظَلَعَتْ

عَلَيْهِ الشَّمْسُ...؛... هرگاه يك نفر را خداوند به

دست تو هدایت کند، برای تو بهتر است از آن چه

که خورشید بر آن می تابد... .

پس انسان نمی تواند نسبت به معروف و منکر در

اجتماع بی اعتنا باشد.

گاهی تذکر ما به سرعت اثر نمی کند؛ ولی در فطرت و

قضاوت دیگران، اثر دارد؛ چنان که امام حسین علیه السلام در

همین راه شهید شد؛ تا مردم در طول تاریخ، بیدار شوند.

در تفسیر نمونه آمده است:

برنامه عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز گواه بر این است

که ایشان برای تبلیغات و تذکرات خود، هیچ قید

و شرطی قایل نبودند و همگان را وعظ می کردند و

انذار می نمودند.^۲

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

هرکس، کسی از شیعیان ما را که به خاطر رنجی

۱. بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۴۸، ح ۳۹۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۹۷.

که از ناحیه ما دیده و در زمان غیبت با ما فاصله گرفته و از اطاعت و ارادت جدا شده، با علوم ما یاری رساند و او را ارشاد و هدایت نماید، خداوند متعال به او می فرماید: **يَا أَيُّهَا الْعَبْدُ الْكَرِيمُ الْمُوَاسِي**
إِنِّي أُولَىٰ بِالْكَرَمِ اجْعَلُوا لَهُ يَا مَلَائِكَتِي فِي الْجَنَّةِ بِعَدَدِ
كُلِّ حَرْفٍ عَلَّمَهُ أَلْفَ أَلْفٍ قَصْرٍ وَضَمُّوا إِلَيْهَا مَا يَلِيقُ
بِهَا مِنْ سَائِرِ النِّعَمِ؛^۱ ای بنده صاحب کرم یاری رسان! من به اعمال کرم از تو شایسته تر هستم. آن گاه به فرشتگان دستور می دهد برای این بنده هدایت گر در بهشت به ازای هر حرفی که آموزش داده، هزارهزار قصر قرار دهید و از سایر نعمت ها آن چه در شأن و نیاز اوست، به آنها ضمیمه و عنایت نمایند.^۲

ویژگیهای مبلغ برای ارشاد

الف. «باید شخصاً اهل عمل باشد؛ هدفش اصلاح جامعه باشد؛ توفیق کارش را از خدا بداند و همیشه بر

۱. التفسیر المنسوب الی امام الحسن العسکری (علیه السلام)، ص ۳۴۱ و ۳۴۲؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷.

۲. خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار امام سجاد (علیه السلام)، ص ۳۱۶.

- خدا توکل کند و در مشکلات، به خدا پناه ببرد».^۱
- ب. «باید در نهی ازمنکر، ابتدا از گناهان جلوگیری کند؛ همان گونه که در امر به معروف، ابتدا باید به واجب سفارش کند».^۲
- ج. «باید شجاع و مصمم و نفوذناپذیر باشد».^۳
- د. «باید اسلام شناس، مردم شناس و شیوه شناس باشد».^۴

ج. ۳. مقدمه سازی

یکی از راه های مؤثر در تقویت روحیه مسئولیت پذیری، ایجاد شرایط مناسب برای افراد است. بهترین شیوه برای تأثیرگذاری تذکر، شیوه تدریج است. ایجاد زمینه و مقدمه سازی، تأثیر بسزایی بر مخاطب دارد. اگر کسی از نظر روحی و فکری، آماده پذیرش باشد، سخن ما، تأثیر مطلوبی بروی خواهد داشت.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

پس تذکره در موردی باید استعمال شود که در فرد

۱. تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۷۳.

۲. همان، ج ۶، ص ۴۴۶.

۳. همان، ج ۷، ص ۳۴۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۲۵.

زمینه‌ای برای تذکره وجود داشته باشد که در این مورد، تذکره در نوبت اول، فرد را به حق متمایل می‌سازد و قطعاً اثرگذار است و همچنین در نوبت‌های بعدی هم تمایل او را بیشتر می‌سازد؛ همچنان‌که فرمود: سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى^۱ و در موردی که فرد هیچ زمینه‌ای برای نرم شدن دل ندارد، در نوبت اول، حجت را بر او تمام می‌کند و این نیز نافع است؛ چون باعث می‌شود فرد از باطل، دوری کند؛ همچنان‌که فرمود: وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى^۲ و اما تذکره نوبت دوم، چون خاصیت نرم کردن دل و اثراتمام حجت را ندارد، کاری لغو خواهد بود.^۳

به همین جهت، خداوند می‌فرماید:

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ پس، از هرکس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب.

۱. اعلی، آیه‌ی ۱۰.

۲. اعلی، آیه‌ی ۱۱.

۳. المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۸.

۴. نجم، آیه‌ی ۲۹.

ج. ۴. خویشان و نزدیکان

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ^۱؛ و خویشان نزدیكت را
هشدار ده.

در توصیه به انجام خوبی‌ها و ترك بدی‌ها از خودمان،
سپس از نزدیکان و بستگان شروع کنیم؛ البته تذکر ما باید
با محبت و دل‌سوزی همراه باشد.

از آن‌جا که انسان، موجودی اجتماعی است و
بی‌توجهی و مسئولیت‌گریز بودن فرد در اجتماع نیز اثر
می‌گذارد، پس اصلاح خود و نزدیکان، کافی نیست و
باید خوبی‌ها را به صورتی پسندیده، در جامعه ترویج
کرد.

ج. ۵. ایجاد انگیزه و امید

گاهی افراد مسئولیت‌گریز، چون فکر می‌کنند
نمی‌توانند گناهان خود را جبران کنند یا راهی برای
بازگشت و پذیرفته شدن توبه ندارند، ناامید می‌شوند؛
در حالی که در تعالیم اسلامی، ناامیدی، گناهی کبیره
است؛ زیرا خداوند، راه‌های بسیاری برای بازگشت

۱. شعراء، آیه ۲۱۴.

گناهکاران قرار داده است، تا به سوی حق روی آورند. توبه کردن و امید به بخشیده شدن، موجب نشاط و انگیزه در افراد می شود؛ تا بتوانند در مسیر الهی گام بردارند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۱ بگو: «ای بندگان من که بر
خویشتن زیاده روی روا داشته اید، از رحمت خدا،
نومید مشوید. درحقیقت، خدا همه ی گناهان را
می آمرزد؛ زیرا او آمرزنده مهربان است.

در تفسیر نور درباره ی مغفرت و رحمت الهی آمده
است:

پس یأس از رحمت الهی، حرام است و خداوند،
همه را بنده خود و لایق دریافت رحمتش دانسته
است و رحمت، او محدود نیست و خداوند، همه
گناهان را می بخشد.^۲

در جایی که نمی توانیم به دیگران کمک مالی کنیم،

۱. زمر، آیه ی ۵۳.

۲. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۱۸۸.

می‌توانیم با گشاده‌رویی و اخلاق نیک، به افراد امید دهیم.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

هنگامی که شما این توسعه را ندارید که از مال خود به مردم بدهید، پس با عموم مردم، خوش اخلاق و خوش رفتار باشید.^۱

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

یکی از سفارش‌هایی که حضرت خضر علیه السلام به حضرت موسی بن عمران علیه السلام می‌کرد، این بود که کسی را که مرتکب گناهی شده، سرزنش نکنید؛ زیرا محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خداوند، سه چیز است؛ میانه‌روی در کارها، عفو و گذشت هنگام قدرت‌مداری و مهربانی و مدارا نسبت به بندگان خدا... و هرکس به کسی در دنیا مهربانی و مدارا کند، خداوند هم روز قیامت با او مهربانی خواهد نمود.^۲

ج. ۶. رعایت ادب در گفتار و رفتار

برای تقویت روحیه مسئولیت‌گریزی، باید با بیانی

۱. نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲. خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام سجاد علیه السلام، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

نرم، با افراد سخن گوییم. امیدها در نرمی است و در خشونت، نمی توان انتظار اصلاح داشت. ادب در گفتار و نرمی در اخلاق، ضروری است. شیوه و سنت اولیای خدا، ادب در گفتار و رفتار بوده است و گاهی افراد خشن و تندخو به آنان جسارت می کردند؛ اما خلق نیکوی آنان، افراد را متوجه اشتباهشان می کرد. در قرآن کریم خطاب به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛^۱ و با او سخنی نرم گوئید؛ شاید که پند پذیرد یا بترسد.

بنابراین، تربیت و ارشاد، باید صمیمانه باشد و حتی با جسورترین افراد نیز باید ابتدا با نرمی و لطافت، سخن بگوییم؛ البته در این راه اگر گناهکاران با تلخی برخورد کردند، نباید عقب نشینی کنیم.

ج. ۷. برخورد منطقی و سازنده

از آن جا که انسان، موجودی عقلانی است، برخورد عقلی و منطقی، می تواند تأثیر مثبتی در وی داشته باشد. اگر افراد خطاکار، با عقل و منطق، متوجه اشتباهشان

۱. طه، آیه ۴۴.

شوند، آن را می پذیرند و از گناه، دوری می کنند. بسیاری از افراد اگر از نظر عقلی و منطقی نسبت به خوبی یا بدی کاری قانع شوند، آن را می پذیرند؛ «پس فردی را که گناه می کند، اگر می توانیم، باید آن را با گفتار، رفع کنیم و نباید قبل از آن، عمل کنیم؛ اما اگر آن عمل قبیح، غیر از منع کردن، راه دیگری ندارد، باید با عمل به این امر، اقدام کنیم؛ به شرط آن که ضرری برای ما نداشته باشد»^۱.

ج. ۸. هم‌زبانی

شناخت زبان و ویژگی‌های روحی مخصوص افراد، باعث تأثیر بیشتر در آنان می شود. هم‌زبانی، موجب همدلی می شود. اگر بتوان با افراد به زبان مخصوص خودشان سخن گفت، تأثیر کلام، بیشتر می شود؛ تا جایی که اگر پند و اندرز به آنها داده شود، می پذیرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

هرگاه شخص نیازمندی چیزی از شما بخواهد، سخن او را قطع نکنید؛ تا از آن فراغت حاصل کند؛ سپس با وقار و ملایمت، پاسخ او را بدهید؛ یعنی یا چیزی به وی عطا نمایید و یا خواسته‌ی او را به زبان

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۶۶.

خوشی رد کنید.^۱

ج. ۹. انعطاف و نرمی

از طریق انعطاف نشان دادن، بهتر می‌توان افراد بی‌مسئولیت را به انجام دستورهای الهی، دعوت کرد. یکی از نمونه‌های انعطاف‌پذیری، امید دادن و آسان‌گیری است. با نرمی و ملایمت رفتار کردن، عامل جذب است؛ درحالی‌که سخت‌گیری، موجب دفع افراد می‌شود.

در کتاب مصباح الشریعه آمده است:

پس در اوقات مخالطت و معاشرت با مردم، اگر از صاحب و رفیق، ترك واجبى یا ارتكاب محظورى به ظهور رسد، از روی همواری و ملایمت، امر به معروف و نهی از منکر، به عمل آریم؛ نه از روی غلظت و تندى.^۲

خداوند متعال «در سوره حجرات، اصلاح را بر قتال مقدم داشته و این، نشانه آن است که باید در امر به معروف و نهی از منکر، از ملایمت به سوی شدت

۱. تفسیر آسان، ج ۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲. شهید ثانی، گیلانی، شرح مصباح الشریعه، ص ۲۹۳.

عمل، شروع کرد».^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ
فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَامِلٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَتَارِكٌ لِمَا يَنْهَى
عَنْهُ عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ فِيمَا
يَأْمُرُ وَرَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى؛ به درستی، کسی می تواند
امربه معروف و نهی از منکر کند که در او سه خصلت
باشد؛ به آن چه امر می کند، خودش عمل کند و
از آن چه نهی می کند، خودش دوری جوید و در
آن چه امر یا نهی می کند، اعتدال را رعایت کند، و
در آن چه امر یا نهی می کند، نرمی نشان دهد.^۲

ج. ۱۰. تذکر پنهانی و غیر مستقیم

در امر به معروف و نهی از منکر، باید آبروی افراد حفظ
شود. در تفسیر نور آمده است:

اهمیت آبروی مردم تا حدی است که نجوای
ناپسند به خاطر حفظ آن، پسندیده می شود و صدقه و
امربه معروف مخفیانه، زشتی نجوا را تحت الشعاع قرار

۱. مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۳۱۶، ذیل آیه ۹ سورة حجرات.

۲. الخصال، ج ۱، ص ۱۰۹.

می دهد.^۱

در اسلام به حفظ آبروی افراد، سفارش شده است. اگر تذکر ما به صورت خصوصی و دوستانه باشد، اثرپذیری آن بیشتر خواهد بود؛ زیرا تذکر مخفیانه، اعتماد افراد را جلب می کند.

ج. ۱۱. تکریم شخصیت

یکی از راه های هدایت و دعوت، اعتراف به خوبی ها و کمالات افراد است. هرگز با بی احترامی و اهانت، به ویژه در حضور دیگران، نمی توان فرد بی توجه را به کار نیک جذب کرد یا او را از کار زشت، نهی کرد؛ بلکه گاهی این گونه برخورد، موجب لجاجت می شود. بنابراین، با شخصیت دادن به افراد، بهتر می توان آنها را جذب کرد و اگر افراد به این موارد توجه کنند، تذکرات آنان ثمربخش خواهد شد.

۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۸۴.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، هجرت، قم ۱۴۱۴ ق.
۳. صحیفه سجادیه، علی بن الحسین، چاپ اول، دفتر نشر الهادی، قم ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین: عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، تحقیق: مجتبی عراقی، چاپ اول، دار سید الشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، تحقیق و تصحیح حسن بن احمد الموسوی و ابوالحسن ابن مسیح، چاپ دوم، دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۴۰۱ ق.

۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی: **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.

۷. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی: **الخصال**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه ی قم، قم ۱۳۶۲ ش.

۸. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی: **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، تحقیق مهدی لاجوردی، چاپ اول، جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.

۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی: **تحف العقول**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه ی قم، قم ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.

۱۰. ابن فهد حلی، احمد بن محمد: **عدة الداعی و نجاح الساعی**، تحقیق احمد موحدی قمی، چاپ اول، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۱۱. اربلی، علی بن عیسی: **كشف الغمة فی معرفة الأئمة**، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، بنی هاشمی، تبریز ۱۳۸۱ ق.

۱۲. بحرانی، سید هاشم: **البرهان فی تفسیر القرآن**، تحقیق

- قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة قم، چاپ اول، بنیاد بعثت، تهران ۱۴۱۶ق.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد: المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامية، قم ۱۳۷۱ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن: وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق مؤسسة آل البيت علیه السلام، چاپ اول، مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم ۱۴۰۹ق.
۱۵. حسینی همدانی، سید محمد حسین: انوار درخشان، تحقیق محمد باقر بهبودی، چاپ اول، کتاب فروشی لطفی، تهران ۱۴۰۴ق.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد: إرشاد القلوب إلى الصواب، چاپ اول، الشریف الرضی، قم ۱۴۱۲ق.
۱۷. زمخشری، محمود: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دارالکتاب العربی، بیروت ۱۴۰۷ق.
۱۸. شعیری، محمد بن محمد: جامع الاخبار، چاپ اول، مطبعه حیدریه، نجف. [بی تا]
۱۹. گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم، شهید ثانی، زین الدین بن علی: شرح مصباح الشریعة، ترجمه ی عبدالرزاق گیلانی، تصحیح: محمد بن حسین جمال خوانساری، چاپ اول، پیام حق، تهران ۱۳۷۷ش.
۲۰. صادقی اردستانی، احمد: [خطبه ها، نامه ها و کلمات

- قصار امام سجاد (علیه السلام)، تصحیح سید حبیب الله موسوی، چاپ اول، حبیب، ۱۳۹۱ ش. [بیجا]
۲۱. طالقانی، سید محمود: پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۶۲ ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۴۱۷ ق.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی: الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق محمد باقر خراسان، چاپ اول، مرتضی، مشهد ۱۴۰۳ ق.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل: مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، شریف رضی، قم ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.
۲۵. طبرسی، علی بن حسن: مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، المكتبة الحیدریة، نجف ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمة محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، ناصر خسرو، تهران ۱۳۷۲ ش.
۲۷. طریحی، فخرالدین: مجمع البحرين، تحقیق: سید احمد حسینی، چاپ سوم، کتاب فروشی مرتضوی، تهران ۱۳۷۵ ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن: التبیان فی تفسیر القرآن، با

- مقدمة شيخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی،
دار احیاء التراث العربی، بیروت. [بی تا]
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق
سید حسن موسوی خراسان، چاپ چهارم، دار الکتب
الإسلامیه، تهران ۱۴۰۷ ق.
۳۰. طیب، سید عبدالحسین: اطیب البیان فی تفسیر القرآن،
چاپ دوم، اسلام، تهران ۱۳۷۸ ش.
۳۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه: نور الثقلین، تحقیق
سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، اسماعیلیان، قم
۱۴۱۵ ق.
۳۲. حسن بن علی علیه السلام: التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن
العسکری علیه السلام، تحقیق مدرسة امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ
اول، مدرسة الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم ۱۴۰۹ ق.
۳۳. عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان:
الإختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی
زرندی، چاپ اول، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید،
قم ۱۴۱۳ ق.
۳۴. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر: مفاتیح الغیب،
چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۰ ق.
۳۵. فیض کاشانی، ملا محسن: تفسیر صافی، تحقیق حسین
اعلمی، چاپ دوم، الصدر، تهران ۱۴۱۵ ق.
۳۶. قرائتی، محسن: تفسیر نور، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی

درس‌هایی از قرآن، تهران ۱۳۸۳ ش.

۳۷. قربانی لاهیجی، آیه الله زین الدین: تفسیر جامع آیات الاحکام، چاپ دوم، سایه، تهران ۱۳۸۴ ش.

۳۸. قرشی بنابی، علی اکبر: قاموس قرآن، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۱ ش.

۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب: کافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۴۰۷ ق.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، بهشت کافی (ترجمه ی روضه کافی)، ترجمه ی حمیدرضا آذیر، چاپ اول، سرور، قم ۱۳۸۱ ش.

۴۱. لیشی واسطی، علی بن محمد: عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، دار الحدیث، قم ۱۳۷۶ ش.

۴۲. مجلسی، محمد باقر: بحار الأنوار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ ق.

۴۳. مجلسی، محمد باقر: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۴۰۴ ق.

۴۴. محمدی ری شهری، محمد: منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی با اشراف سید محمد کاظم

طباطبایی، ترجمه ی حمیدرضا شیخی، دار الحديث، قم

۱۴۲۲ق / ۱۳۸۱ش. [بیجا]

۴۵. مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتب
الإسلامیة، تهران ۱۳۷۴ش.

۴۶. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام: الفقه
المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، تحقیق مؤسسة
آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، مشهد
۱۴۰۶ق.

۴۷. نجفی خمینی، محمدجواد: تفسیر آسان، چاپ اول،
اسلامیه، تهران ۱۳۹۸ق.

۴۸. نوری، میرزا حسین: مستدرک الوسائل و مستنبط
المسائل، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول،
مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم ۱۴۰۸ق.

